

کشورهای در حال توسعه در قبال این نوع سرمایه‌گذاری اشاره می‌کنند.^۴ بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل تأثیر سودمندی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند در درازمدت بر توسعه کشور بگذارد اتفاقی بیشتر به آن را مفید می‌دانند. این ایستار تازه در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان بویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای چشمگیرتر است که مانند چین، سمت‌گیری سوسيالیستی دارند. شاید بیجا نباشد که بگوییم تحولات پیش گفته درخصوص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان، خود محصول تغییرات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی پیچیده‌ای است که در هر دو سطح ملی و بین‌المللی در حال وقوع است. اما تأثیرات این دگرگونی‌ها بر جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بندرت موضوع تجزیه و تحلیل جامع و یکپارچه قرار گرفته است.

همچنین بیشتر پژوهشگران براین باورند که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دهه ۱۹۸۰ بطور برابر میان کشورهای در حال توسعه تقسیم نشده است.^۵ درخصوص علل زیربنایی این امر، نوشه‌های موجود عمدتاً بر وجود اقتصادی تأکید دارند. بسیاری از تحلیل‌های نیز عوامل طرف تقاضا یعنی شرایط موجود در کشورهای در حال توسعه همچون منابع طبیعی تحت اختیار، حجم بازار داخلی، آهنگ رشد اقتصادی، سیاست‌ها و مشوّق‌های ناظر بر سرمایه‌گذاری خارجی، و توانایی‌های صنعتی را مدنظر قرار داده‌اند.^۶ دیگر عامل طرف تقاضا یعنی پیدایش بازارهای جدیدی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آن هم عمدتاً در اردوی کشورهایی که بیشتر سوسيالیست بوده‌اند هنوز چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. تنها محدودی از تحلیل‌گران از عوامل طرف عرضه مانند نوآوری‌های تکنولوژیک در کشورهای توسعه‌یافته و پاگرفتن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان در بخش خدمات یاد کرده‌اند.^۷ بطور کلی بندرت به پژوهش‌های جامعی بر می‌خوریم که در برگیرنده عوامل اقتصادی و سیاسی و متوجه هر دو طرف عرضه و تقاضا

در این مقاله برآنیم تا گرایش‌های موجود در زمینه جریان‌یابی سرمایه‌های خصوصی به سوی کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۸۲ به این سورا با توجه به جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI) و توزیع جغرافیایی آن به شکل مستند روش سازیم و تبیین جامعی از عوامل زیربنایی آن به دست دهیم. مطابق تعریف ما در این مقاله، جریان سرمایه‌های خصوصی دارای دو مؤلفه اصلی است: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و استقراض از منابع خصوصی.^۱ تا پیش از سال ۱۹۷۳ در کل جریان سرمایه‌های خصوصی، سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش از سهم استقراض خصوصی از سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیشی گرفت. در دهه ۱۹۸۰، بويژه پس از سال ۱۹۸۲ وضعیت بار دیگر به سود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تغییر کرد. در طول این دوره، کل جریان ورود سرمایه‌های خصوصی به کشورهای در حال توسعه عمدتاً به واسطه افت مطلق حجم وام‌های خصوصی کاهش یافت درحالی که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بطور کلی ثابت ماند. البته سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان در میان کشورهای در حال توسعه به طور برابر سرشکن نشده است.

در نوشه‌های تحقیقی درباره پایداری جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه نوعی همسخنی وجود دارد.^۲ بسیاری از پژوهندگان براین باورند که بازشناسی فرازینه‌نیاز به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان علت ریشه‌ای این روند است.^۳ در وای این دریافت، ملاحظات چندی نهفته است: تأثیر نامطلوب استقراض از منابع خصوصی؛ برتری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از لحاظ تأمین هر دو عنصر سرمایه و فناوری؛ و تغییرات به وجود آمده در وضعیت اقتصادی بین‌المللی، فناوری، و مناسبات شرکتها با دولتها. دیگر نویسنده‌گان به تغییر نقش متصور برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان، و هرچه آزادمنشانه‌تر شدن سیاست

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه

نوشته دکتر هوشنگ امیراحمدی
ترجمه علیرضا طیب

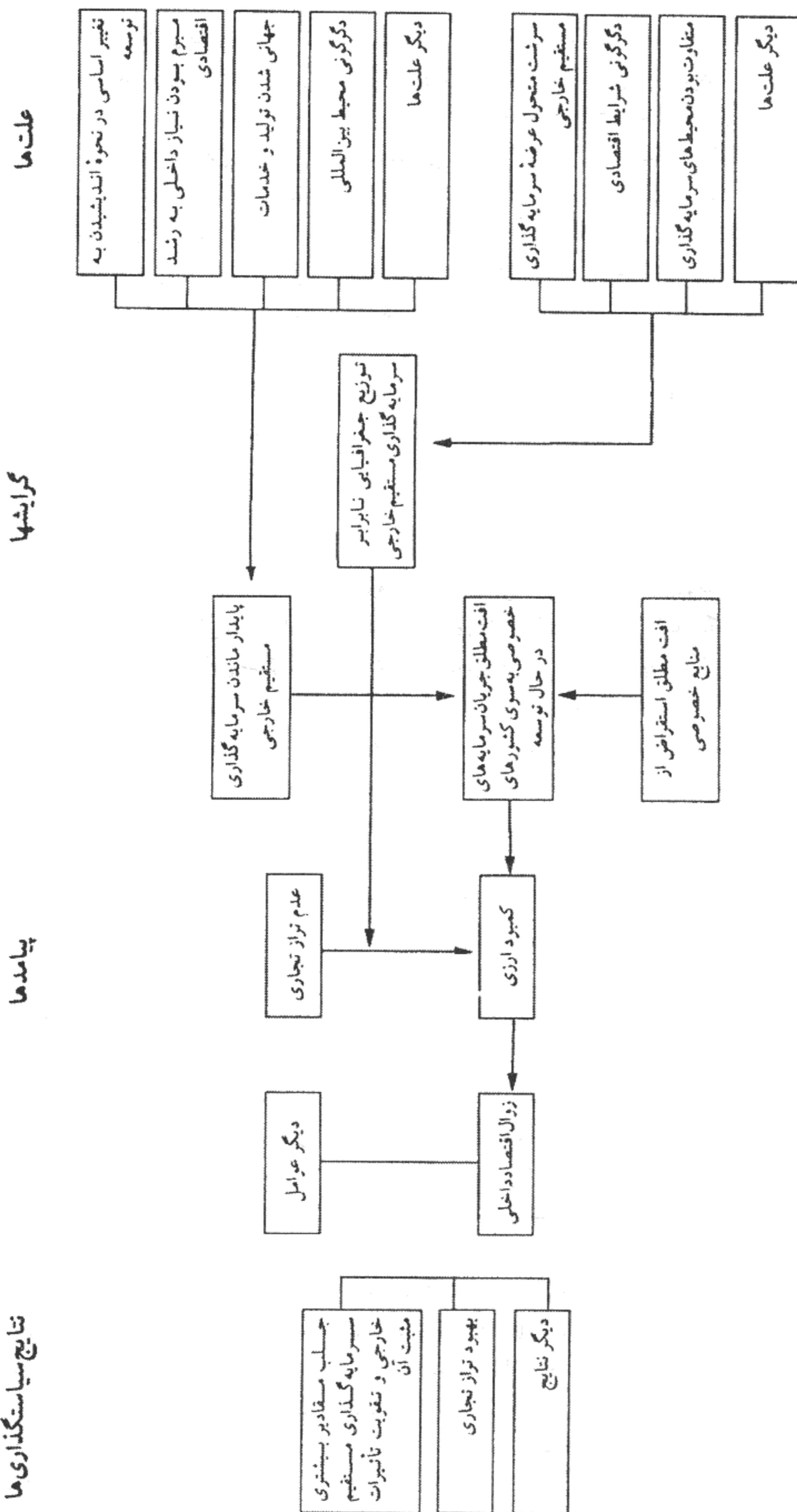
ما در این مقاله براساس همین نوشهای موجود تحلیل جامع تر و یکپارچه تری به دست خواهیم داد. چارچوب مفهومی مورد استفاده در این مقاله در نمودار (۱) ترسیم شده است. بطور مشخص، از دید ما چهار عامل اصلی را می‌توان به عنوان علل پایدار ماندن جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر شمرد: تغییر مبنای اندیشه توسعه، مبرم بودن نیاز داخلی کشورهای در حال توسعه به رشد اقتصادی، جهانی شدن تولید و خدمات، و دگرگونی محیط بین‌المللی. این چهار عامل نه تنها در برگیرنده برخی از مهم‌ترین عللی است که در نوشهای موجود برای جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر شمرده شده است بلکه با قرار دادن این مبحث در چارچوب تجدید ساختار جاری جهان، صورت‌بندی جدیدی از آن به دست می‌دهد. ما همچنین براین باوریم که علل اصلی و زیربنایی نابرابر بودن توزیع جغرافیایی جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را هم باید در سرشت متحول عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، گوناگونی شرایط اقتصادی، و متفاوت بودن محیط‌های سرمایه‌گذاری موجود در کشورهای در حال توسعه سراغ گرفت. بدین ترتیب، این صورت‌بندی تازه از موضوع، هر دو دسته تحلیل‌های ناظر بر طرف عرضه و طرف تقاضا را در بر می‌گیرد و تبیین جامع تری به دست می‌دهد.

در مقاله حاضر نشان خواهیم داد که تأثیر توأم کاهش کلی جریان سرمایه‌های خصوصی به سوی کشورهای در حال توسعه، توزیع نابرابر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، و عدم تراز تجاری مزمن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در چهره کمبود ارزی در این کشورها نمود پیدا کرده است. این کمبود ارزی همراه با دیگر عوامل مؤثر بنویه خود منجر به زوال اقتصاد داخلی این کشورها شده است. اما برای آن دسته از کشورهای در حال توسعه‌ای که خواهان جلب حجم بیشتری از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان هستند تدبیر چندی در زمینه سیاست‌گذاری وجود دارد. این تدبیر شامل در

پیش گرفتن ایستار مثبتی در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان، آزادمنشانه کردن سیاست‌های اقتصادی، جلب اشکال گوناگون سرمایه‌گذاری خارجی، و توسعه سرمایه انسانی و توانایی‌های صنعتی می‌باشد. همچنین کشورهای در حال توسعه می‌توانند با گزینش دقیق فناوری‌های ملازم با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تمهید ماهرانه مشوق‌های مالی، به کارگیری سیاست ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در مرحله مناسبی از توسعه، و ایجاد سیستم‌های پشتیبانی و انتشار بهتری برای انتقال فناوری، تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دو چندان سازند.

در آنچه در ادامه خواهد آمد نخست با مدنظر قرار دادن جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و توزیع جغرافیایی آن، گرایش‌های متحول در زمینه جریان‌یابی سرمایه‌های خصوصی به سوی کشورهای در حال توسعه را به شکل مستند روشن می‌سازیم. در بخش دوم، نگاه خود را روی علل پایدار ماندن جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی متوجه سرمهایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی متمرکز می‌سازیم و در بخش سوم برای توزیع جغرافیایی نابرابر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تبیینی به دست می‌دهیم. بخش پایانی به بحث درباره پیامدهای این گرایش‌ها برای کشورهای در حال توسعه و گمانهزنی درباره گزینه‌های سیاست‌گذاری فراروی این دولتها با تأکید بر تدبیری که می‌تواند تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را دو چندان سازد اختصاص خواهد داشت. ما استدلال‌های نظری خود را با رشته‌ای طولانی از داده‌ها درباره منابع خارجی تأمین اعتبار برای کشورهای در حال توسعه در فاصله سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۹۲ تکمیل کرده‌ایم. این داده‌هارا عمده‌تاً از اسنادی برگرفته‌ایم که صندوق بین‌المللی پول (IMF) و مرکز شرکتهای فراملی در سازمان ملل متحد (UNCTC) منتشر کرده‌اند. برای تأیید بیشتر گفته‌هایمان هم، از نوشهای تحقیقی و گزارش‌های دولتی بهره گرفته‌ایم.

○ سرمایه‌گذاری مستقیم
خارجی به عنوان یک پدیده
جهانی در اوآخر سده
نوزدهم و اوایل سده بیستم پا
گرفت امداده‌های بعد تنها
بخش کوچکی از
سرمایه‌گذاری‌های خارجی
راتشكیل می‌داد.



تغییر روفرسنهای گذاریهای مستقیم خارجی و توزیع جغرافیایی نابرابر آن

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک پدیده جهانی در اوخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم پاگرفت اما تا دهه‌ها بعد، تنها بخش کوچکی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را تشکیل می‌داد. برای نمونه، در سال ۱۹۱۴ از کل جریان سرمایه‌گذاری خارجی ۹۰ درصد به صورت خرید اوراق بهادار انجام می‌گرفت.^۸ در همین حال، ترکیب سرمایه‌گذاری خارجی آرام آرام دگرگون شد. در دهه ۱۹۳۰ تزدیک به یک چهارم جریان سرمایه‌گذاری‌های خارجی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شد. جنگ جهانی یکم و رکود بزرگ موجب فروپاشی نظام پولی جهان در سال ۱۹۳۰ شد و به زوال سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار (portfolio investment) انجامید.^۹ سالهای میان دو جنگ جهانی نیز شاهد افت شدید حجم سرمایه‌گذاری خارجی بود. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انعطاف پیشتری از خود نشان داد و در اوخر دهه ۱۹۳۰ اندکی بهبود یافت. سالهای پس از جنگ جهانی دوم سالهای رشد دوباره

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود. افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه پس از دهه ۱۹۶۰ ۱۹۶۰ شکل بازتری یافت. این سرمایه‌گذاری‌ها از میانگین سالانه زیر ۲ میلیارد دلار در اوایل دهه ۱۹۶۰ به میانگین سالانه حدود ۸ میلیارد دلار در فاصله سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۸۲ رسید.^{۱۰} در سال ۱۹۷۳ حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه سالانه برابر ۴/۴ میلیارد دلار بود ولی در سال ۱۹۸۲ به ۱۹/۸ میلیارد دلار در سال رسید (جدول ۱). این میزان تا سال ۱۹۹۲ کمایش در سطح میانگین سالانه ۱۷ میلیارد دلار پایدار ماند ولی در این سال حجم سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به اوج ۳۰/۱ میلیارد دلار در سال رسید. جهش کیفی دهه ۱۹۸۰ به تغییر حجم جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه از عددی یک رقمی به عددی دورقمی مربوط می‌شد. اما هنگامی که در چارچوب جریان‌های جهانی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به روند سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در کشورهای درحال توسعه می‌نگریم آن را کمتر چشمگیر می‌یابیم. هم کشورهای توسعه‌یافته و هم

○ بطور مشخص می‌توان از چهار عامل اصلی به عنوان علل پایدار ماندن جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی یاد کرد: تغییر مبنای اندیشه توسعه؛ مبرم بودن نیاز داخلی کشورهای درحال توسعه به رشد اقتصادی؛ جهانی شدن تولید و خدمات؛ و دگرگونی محیط بین‌المللی.

جدول ۱

کشورهای درحال توسعه: قائم اعتبار از منابع خارجی، ۱۹۷۳-۱۹۹۲

(میلیارد دلار آمریکا)

۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	خالص کل اعتبارات خارجی
۱۲۴/۴	۱۴۲/۴	۱۰۰/۵	۸۸/۱	۷۹/۳	۵۹/۵	۵۵/۷	۴۹/۲	۴۰/۵	۳۱/۷	خالص جریان‌های غیربدھی زا
۲۶/۰	۲۱/۴	۱۱/۴	۱۷/۶	۱۱/۱	۱۰/۷	۶/۰	۹/۴	-۱/۳	۹/۷	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۱۹/۸	۱۷/۶	۳/۷	۸/۳	۷/۰	۴/۵	۱/۹	۶/۱	-۱/۵	۴/۴	خالص استقراض خارجی
۹۸/۴	۱۲۱/۰	۸۹/۱	۷۰/۵	۶۸/۲	۴۸/۸	۴۹/۷	۳۹/۹	۴۱/۸	۲۲/۰	استقراض داخلی
۵۳/۱	۸۳/۵	۶۰/۲	۳۸/۳	۵۰/۳	۳۳/۳	۳۱/۲	۲۴/۱	۳۱/۶	۱۶/۳	
۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	خالص کل اعتبارات خارجی
۱۲۹/۵	۱۰۸/۳	۱۱۳/۶	۷۵/۶	۵۷/۰	۶۶/۸	۷۴/۱	۵۷/۱	۵۸/۴	۸۰/۰	خالص جریان‌های غیربدھی زا
۵۰/۴	۱۵/۹	۴۲/۴	۳۲/۶	۳۱/۶	۳۵/۷	۲۵/۸	۲۹/۵	۱۹/۰	۱۵/۵	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۳۰/۱	۲۵/۲	۱۹/۳	۱۶/۷	۷۶/۷	۱۴/۴	۱۰/۲	۱۰/۵	۱۳/۵	۱۳/۵	خالص استقراض خارجی
۷۹/۱	۹۲/۴	۷۱/۲	۴۳/۰	۲۵/۴	۳۱/۱	۴۸/۳	۲۷/۶	۳۹/۴	۶۴/۵	استقراض داخلی
۳۶/۲	۵۸/۴	۲۹/۷	۱۴/۴	۳/۸	۵/۴	۱۷/۳	-۱/۶	-۴/۶	۱۲/۱	

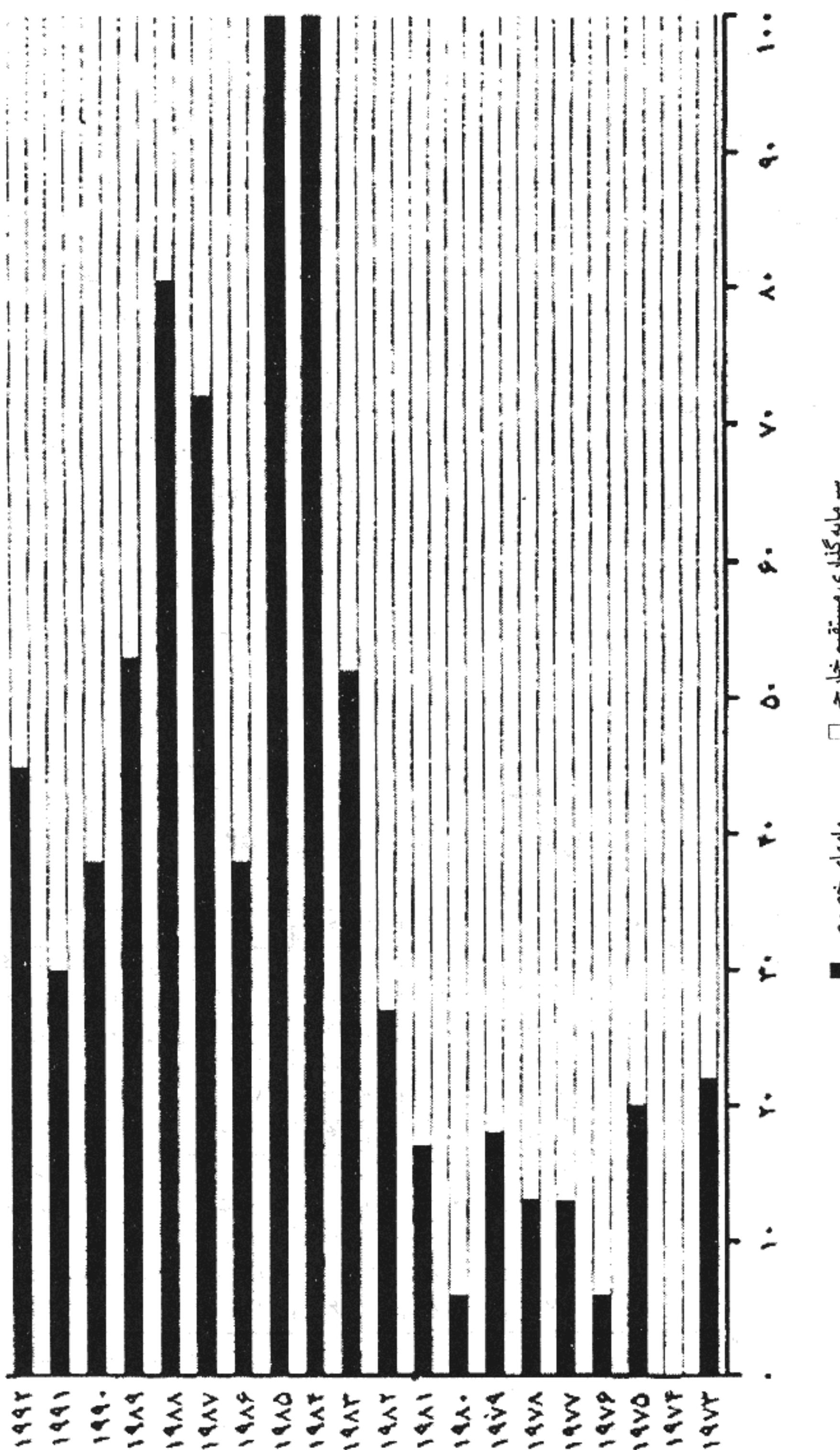
یادداشت: ارقام تورم‌زدایی نشده است

مأخذ: گردآوری شده‌است:

جریان سرمایه‌های خصوصی روانه شده به سوی کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۸۰ شاهد رشد ۱۹۸۳ سهم سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی بودند ولی افزایش چشمگیری یافت. رشد وام‌های خصوصی پس از شوک نفتی سال‌های ۱۹۷۳-۷۴ شتاب بیشتری پیدا کرد. در سال ۱۹۷۳ حجم وام‌های خصوصی تنها ۱۶/۳ میلیارد دلار آمریکا

کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۸۰ شاهد رشد جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی بودند ولی سهم کشورهای در حال توسعه از کل جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در جهان در واقع افت کرده است.

برخلاف سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ که استقراض از منابع خصوصی سهم بیشتری در



منبع: براساس جدول ۱

امروزه تعداد هر چه بیشتری از کشورهای در حال توسعه براین باورند که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با قویت در آمدهای ارزی کشورهای در حال توسعه، به دوش گرفتن بخشی از مخاطرات طرح‌های بزرگ، وايفای نقش به عنوان محمل انتقال فناوري، به توسعه آنها کمک کنند.

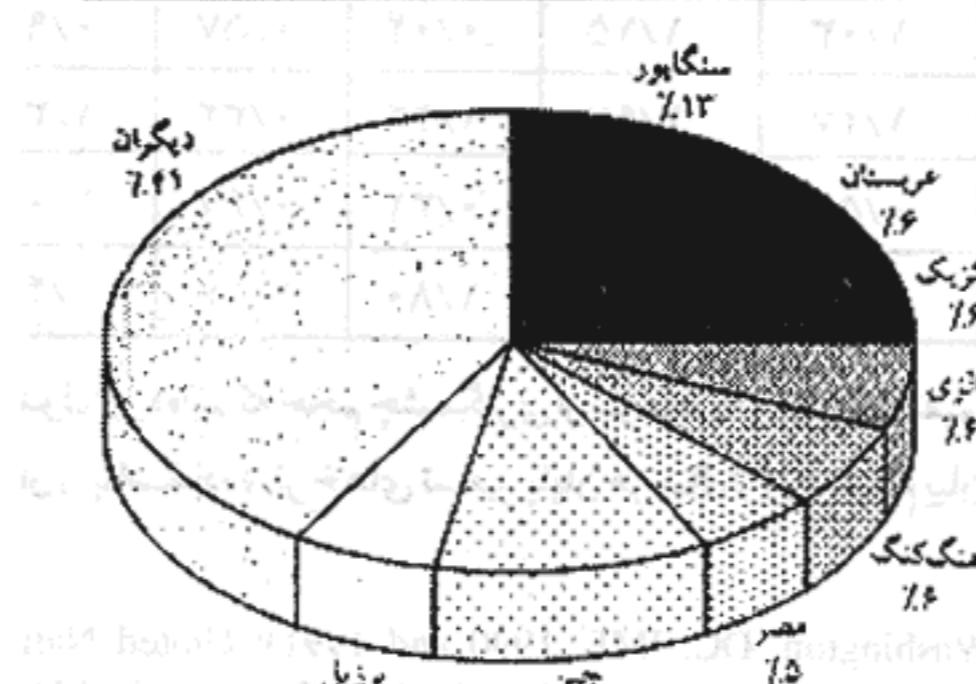
○ فقر شدید و نرخ‌های بالای بیکاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای کم درآمد پیوسته سبب خیزش‌های سیاسی شده است.

مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه بود. ۱۹۸۰ دهه در واقع دوره افت شدید سرمایه گذاریهای مستقیم خارجیان در این منطقه بود. خاورمیانه تنها سهمی برابر $\frac{1}{2}$ درصد داشت و آفریقا با $\frac{1}{6}$ درصد پایین ترین سهم را دریافت می‌کرد (نمودار ۳). جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی همچنین در تعداد کمی از کشورهای در حال توسعه متوجه شده بود. بزرگترین دریافت کنندگان سنگاپور، چین، برزیل، مکزیک، عربستان، هنگ‌کنگ، مالزی و مصر بودند که هر یک بیش از ۵ درصد کل سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی صورت گرفته در کشورهای در حال توسعه، و روی هم بیش از $\frac{8}{58}$ درصد آن را به خود اختصاص می‌دادند (نمودار ۴). در مجموع ۱۵ کشور $\frac{80}{8}$ درصد کل سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه را دریافت می‌کردند. طی همین دوره در درون هر منطقه نیز جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شکلی نابرابر سرشکن می‌شد. نیجریه به تنهایی $\frac{46}{1}$ درصد سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در آفریقا، مصر و عربستان باهم نزدیک به $\frac{90}{90}$ درصد را در خاورمیانه، و آرژانتین، برزیل، کلمبیا و مکزیک $\frac{81}{13}$ درصد را در آمریکای لاتین به خود اختصاص می‌دادند. در آسیا هشت کشور یا قلمرو-چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان و تایلند روی هم بیش از $\frac{84}{4}$ درصد کل سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی صورت گرفته در این قاره را دریافت می‌کردند. در کل دهه ۱۹۸۰ آنها در واقع بیش از $\frac{90}{90}$ درصد این گونه سرمایه گذاریها

بود و لی در سال ۱۹۸۱ به نقطه اوج $\frac{83}{5}$ میلیارد دلار رسید (جدول ۱). اما پس از سال ۱۹۸۲ که مکزیک عمللاً از پرداخت بدهی‌های خود نکول کرد وضعیت به شکل بارزتری تغییر یافت. از آن پس حجم استقرار خارجی کشورهای در حال توسعه از منابع خصوصی با آهنگی افت پیدا کرد که سریعتر از آهنگ رشد همین وام‌ها در دهه ۱۹۷۰ بود. در نتیجه، سهم سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در جریان کل سرمایه‌های خصوصی افزایش یافت؛ البته حجم مطلق آن کمابیش ثابت ماند. در سال ۱۹۸۳ برای نخستین بار از سال ۱۹۷۳ به بعد بیش از نیمی از سرمایه‌های خصوصی روانه شده به سوی کشورهای در حال توسعه را سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی تشکیل می‌داد. این میزان در سراسر دهه ۱۹۸۰ پایدار ماند.

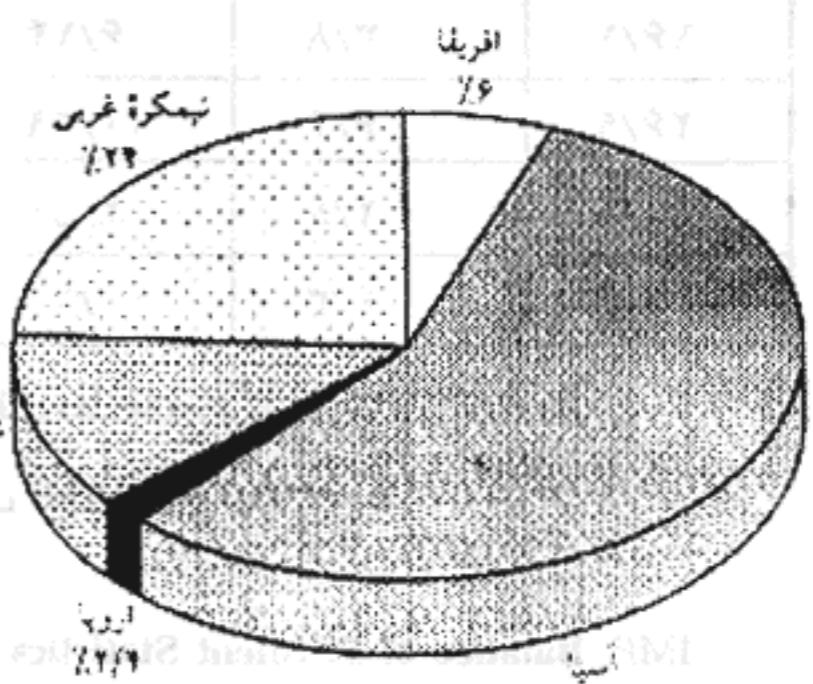
جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در دهه ۱۹۸۰ بطور نابرابر در میان کشورهای مناطق در حال توسعه سرشکن می‌شد. آسیا بزرگترین دریافت کننده سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی بود. در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰ کلاً $\frac{89}{61}$ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی در آسیا صورت گرفت که نمایانگر بیش از نیمی از این گونه سرمایه گذاریها در تمام کشورهای در حال توسعه بود (جدول ۲). نیمکره غربی یا آمریکای لاتین با سهمی برابر $\frac{23}{7}$ درصد پس از آسیا قرار داشت. در دوره‌های گذشته، آمریکای لاتین مقصد نیمی از جریان سرمایه گذاری‌های

نمودار ۴) کشورهای در حال توسعه: عدمه توین دریافت کنندگان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی، ۱۹۸۳-۱۹۹۰



منبع: براساس جدول ۲

نمودار ۳) کشورهای در حال توسعه: توزیع جغرافیایی جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی، ۱۹۸۳-۱۹۹۰



منبع: براساس جدول ۲

علل زیربنایی پایدار ماندن جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی

گرچه از عوامل بسیاری - از جمله آنها که در توزیع جغرافیایی نابرابر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نقش دارند - می‌توان به عنوان علل بنیادی پایدار ماندن روند این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها از سال ۱۹۸۲ به این سویاد کرد ولی به باور مامهم‌ترین

راجلب کردند. "سنگاپور و چین هریک سه‌می نزدیک به ۲۰ درصد را یافت کردند. بین سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۹۰ چهار کشور نو صنعتی شامل هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان ۴۲/۶ درصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی صورت گرفته در آسیا و ۲۳/۷ درصد این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها در حال توسعه را به خود اختصاص دادند.

جدول ۲

کشورهای در حال توسعه: جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر حسب مناطق، ۱۹۸۳-۱۹۹۰
(میلیارد دلار آمریکا)

منطقه	منطقه کشورهای در حال توسعه	میان‌همه کشورهای در حال توسعه	کل ۱۹۸۳-۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	
			۱۰۰/۰	۱۶۱/۳۴	۲۸/۶۵	۳۱/۱۲	۲۵/۲۲	۱۸/۲۲	۱۲/۲۴	۱۲/۲۵	۱۶/۱۲	۱۶/۲۹
	همه کشورهای در حال توسعه	۱۰۰/۰	۱۶۱/۳۴	۲۸/۶۵	۳۱/۱۲	۲۵/۲۲	۱۸/۲۲	۱۲/۲۴	۱۲/۲۵	۱۶/۱۲	۱۶/۲۹	۱۶/۲۹
۱۰۰/۰	آفریقا	۶/۲	۱۰/۰۷	۱/۲۰	۲/۶۸	۱/۲۰	۱/۲۹	۰/۰۵	۰/۷۵	۱/۱۱	۱/۱۹	۱/۱۹
۴۶/۱	نیجریه	۲/۹	۴/۶۴	۰/۰۹	۱/۸۸	۰/۳۸	۰/۶۰	۰/۱۷	۰/۴۸	۰/۲۰	۰/۳۴	۰/۳۴
۱۰۰/۰	آسیا	۵۵/۰	۸۹/۶۱	۱۸/۰۵	۱۸/۸۰	۱۶/۱۰	۱۲/۶۷	۷/۰۶	۵/۰۶	۵/۴۷	۵/۸۴	۵/۸۴
۱۹/۹	چین	۱۱/۰	۱۷/۸۲	۲/۴۹	۳/۳۹	۳/۱۹	۲/۲۱	۱/۸۸	۱/۶۶	۱/۲۶	۰/۶۴	۰/۶۴
۱۰/۴	هنگ‌کنگ*	۵/۸	۹/۲۸	-	۱/۴۰	۲/۴۴	۳/۲۶	۰/۹۹	-۰/۱۴	۰/۶۸	۰/۵۶	۰/۵۶
۴/۱	اندونزی	۲/۳	۳/۶۹	۰/۹۶	۰/۶۸	۰/۵۸	۰/۲۹	۰/۲۶	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۲۹
۱۰/۰	مالزی	۵/۰	۸/۹۵	۲/۹۰	۱/۶۷	۰/۷۲	۰/۴۲	۰/۴۹	۰/۷۰	۰/۸۰	۱/۲۶	۱/۲۶
۲۲/۱	سنگاپور	۱۲/۸	۲۰/۷۰	۴/۸۱	۴/۲۱	۳/۶۵	۲/۸۴	۱/۷۱	۱/۰۵	۱/۳۰	۱/۸۳	۱/۸۳
۴/۲	کره جنوبی	۲/۴	۳/۷۹	۰/۷۲	۰/۷۶	۰/۸۷	۰/۶۰	۰/۴۴	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۰۷
۴/۹	تایوان*	۲/۷	۴/۴۳	-	۱/۶۲	۰/۹۷	۰/۸۰	۰/۳۵	۰/۳۴	۰/۲۰	۰/۱۵	۰/۱۵
۷/۶	تایلند	۴/۲	۲/۷۹	۲/۳۸	۱/۷۸	۱/۱۱	۰/۳۵	۰/۲۶	۰/۱۶	۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۳۵
	لروپیا	۲/۳	۳/۶۸	۱/۱۸	۱/۰۵	۰/۴۷	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۱۶
۱۰۰/۰	خاورمیانه	۱۲/۳	۱۹/۷۸	۰/۳۹	۱/۸۷	۱/۴۵	-۰/۱۴	۲/۲۹	۲/۲۲	۶/۱۰	۵/۰۹	۵/۰۹
۴۲/۰	مصر	۵/۲	۸/۳۱	۰/۹۵	۱/۶۲	۱/۱۹	۰/۹۵	۱/۲۲	۱/۱۸	۰/۷۳	۰/۴۹	۰/۴۹
۴۷/۷	عربستان	۵/۸	۹/۴۴	-	-۰/۳۱	-۰/۳۳	-۰/۱۸	۰/۹۷	۰/۴۹	۴/۸۵	۴/۹۴	۴/۹۴
۱۰۰/۰	نیمکره غربی	۲۲/۷	۲۸/۲۱	۷/۲۲	۶/۷۳	۶/۰۶	۴/۲۲	۲/۱۲	۴/۰۲	۲/۲۲	۲/۵۱	۲/۵۱
۱۶/۱	آرژانتین	۳/۸	۶/۱۴	۲/۰۴	۱/۰۳	۱/۱۵	-۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۹۲	۰/۲۷	۰/۱۹	۰/۱۹
۲۶/۹	برزیل	۶/۴	۱۰/۲۹	-	۱/۲۷	۲/۹۷	۱/۲۳	۰/۳۲	۱/۳۵	۱/۶۰	۱/۰۶	۱/۰۶
۱۱/۸	کلمبیا	۲/۸	۴/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۸	۰/۲۰	۰/۳۲	۰/۶۷	۱/۰۲	۰/۵۸	۰/۶۲	۰/۶۲
۲۶/۵	مکزیک	۶/۳	۱۰/۱۳	۲/۰۵	۲/۶۵	۰/۶۴	۱/۸۰	۱/۱۶	۰/۴۹	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۴۶

یادداشت: تنها کشورهایی را در جدول آورده‌ایم که حجم چشمگیری از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را دریافت داشته‌اند. ارقام تورم‌زدایی نشده است.

* ارقام مربوط به هنگ‌کنگ و تایوان را با استفاده از نرخ‌های تعییر پایان هر سال از روی ارقام بیان شده به پول ملی آنها به دست آورده‌ایم.

منابع: گردآوری شده از

IMF, Balance of Payment Statistics Yearbook (Washington, DC: IMF, 1990 and 1991); United Nations Center on Transnational Corporations (UNCTC), World Investment Directory 1992: Asia and the Pacific (New York: United Nations, 1992); and Council for Economic Planning and Development, "Taiwan Statistical Data Book". (Taipei, Republic of Taiwan, 1993)

○ نامطلوب بودن وضعیت درآمدهای صادراتی و استقرار خارجی این ضرورت را پیش آورده است که در ترکیب جریان سرمایه‌های خصوصی به کشورهای در حال توسعه تغییر عمده‌ای به سمت استفاده هرچه بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد شود.

بیشتری از کشورهای بر این باورند که سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند با تقویت درآمدهای ارزی کشورهای در حال توسعه، به دوش گرفتن بخشی از مخاطرات طرح‌های بزرگ، و ایفای نقش به عنوان محمول انتقال فناوری، به توسعه کشورهای در حال توسعه کمک کنند.^{۱۶}

دومین تغییر در مبنای اندیشه توسعه را می‌توان در گرایش فزاینده بسیاری از کشورهای در حال توسعه به خصوصی‌سازی (privatization) مشاهده کرد.^{۱۷} این گرایش، طیفی از سیاستها، از خارج شدن دولتها از فعالیت‌های اقتصادی و مقررات‌زدایی (deregulation) تا فروش دارایی‌های عمومی را شامل می‌شود. درست مانند دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که با گسترش سریع بخش‌های عمومی مشخص می‌شد، دهه ۱۹۸۰ شاهد تلاش‌های گسترده برای کاستن از نقش اقتصادی دولت بود. این گرایش موجب روی آوردن بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سازوکارهای بازار شد در حالی که در این کشورها مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی شرط لازم توسعه شناخته می‌شود. فعالیت خصوصی نیز به صورت نیروی محركه اصلی این اقتصادها درمی‌آید و دولتها با قائل شدن آزادی بیشتری برای اینگونه فعالیت‌ها و یاری رساندن به آنها در صدد جلب همکاری اقتصادی شرکتهای چندملیتی بر می‌آیند. این همکاری برای کشورهای در حال توسعه جذابیت دارد زیرا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سیله‌ای است که به کمک آن نه تنها سرمایه بلکه فناوری، مهارت‌های مدیریتی، و دانش بازار نیز به دست می‌آید و کشور به خروجی‌های صادراتی نیز دست پیدامی کند.^{۱۸}

تغییر مبنای اندیشه توسعه زیر نفوذ تأثیرات نمایشی (demonstration effects) برخی استراتژی‌های موفقی هم بوده است که برخی کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای موسوم به نوصنعتی در پیش گرفته‌اند.^{۱۹} طی دو دهه گذشته تایوان، کره جنوبی، سنگاپور و هنگ کنگ شاهد سریعترین آهنگ رشد در میان همه کشورهای در حال توسعه بوده‌اند. استراتژی‌های توسعه آنها را که بر پایه توسعه صادرات استوار است بویژه تأکید آنها بر سرمایه‌گذاری و بازرگانی

عواملی که مستقیماً در این زمینه نقش دارند چهار دسته‌اند: تغییر مبنای اندیشه توسعه در سالهای اخیر، نیاز داخلی فوری کشورهای در حال توسعه به رشد اقتصادی، جهانی شدن تولید و خدمات، و دگرگونی محیط بین‌المللی. در ادامه به بحث درباره این عوامل می‌پردازیم و تأثیر آنها را بر جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی مشخص می‌سازیم.

● تغییر مبنای اندیشه توسعه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بررسی‌های توسعه زیر سیطره نظریه وابستگی (dependencia theory) قرار داشت.^{۲۰} این مکتب فکری، توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافرته را مشروط به نیروهای خارجی یعنی کشورهای توسعه‌یافته امپریالیست، وزیر سیطره آنها می‌داند. همچنین در این مکتب، رخنه‌شرکتهای چندملیتی (MNCs) به درون اقتصاد کشورهای در حال توسعه بویژه به بخش‌هایی که بالقوه از پویایی بیشتری برخوردارند این کشورهای را به سمت «توسعه نابهنجار» سوق می‌دهد.^{۲۱} مکتب وابستگی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بشدت بر مباحثات ناظر بر سیاست‌گذاری‌ها سایه افکن بود و نفوذ آن موجب شد تا دولتهای کشورهای در حال توسعه نظارت خود بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را هرچه شدیدتر سازند. در برخی موارد سیاستهای انتخاب شده به خوب‌بیندگی کامل و ملی کردن سرمایه‌های خارجی انجامید. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ با ظهور نظریه وابستگی متقابل (interdependence theory) به عنوان رقیب نظریه وابستگی آرام آرام از چیرگی نظریه اخیر بر اندیشه توسعه کاسته شد.^{۲۲} در نظریه وابستگی متقابل ادعامی شود که به دلیل وابستگی فزاینده کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به محصولات کشورهای در حال توسعه، برآهمیت آنها در چشم کشورهای گروه نخست هرچه بیشتر افزوده می‌شود. این وابستگی متقابل موجب پاگرفتن نوعی محیط تصمیم‌گیری دست‌جمعی در اقتصاد جهانی شده است. در نتیجه، مبنای کلی مباحثات سیاست‌گذاری آرام آرام از رویکرد مقابله با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شرکتهای چندملیتی فاصله گرفت. امروزه تعداد هرچه

زنده کنند. این نیاز فوری زاده فشارهای فزاینده توده‌ها و دگرگونی محیط سیاسی هم بود. فقر شدید و نرخ‌های بالای بیکاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای کم درآمد پیوسته سبب خیزش‌های سیاسی شده است. در واقع، زوال وضع اقتصادی بتدریج رژیم‌های سیاسی پاناما، فیلیپین، ترکیه، کنیا، تونس، نیجریه و کشورهای اروپای شرقی را در معرض تهدید قرار می‌داد. در دیگر کشورهای در حال توسعه عمدتاً به دلیل وجود حکومت‌های دیکتاتوری، نمود سیاسی زوال اوضاع اقتصادی کمتر از اینها حاد بود. دگرگونی اقتصاد سیاسی به همراه بحران بدھی‌ها و تدایر ریاضتی مقرر شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی این دولتها را واردشت تا اقتصاد خود را به حالت عادی برگردانند و برای حفظ ثبات سیاسی، آن را به مسیر رشد هدایت کنند.

اماً موضع چندی در برابر این نیاز به احیای مجدد اوضاع اقتصادی وجود دارد^{۲۱} از جمله وابستگی تولید داخلی به بازارهای خارجی از لحاظ نهاده‌های تولیدی همچون مواد خام، کالاهای واسطه و کالاهای سرمایه‌ای شامل ماشین‌آلات، تجهیزات، فناوری، و مهارت‌های مدیریتی. این وابستگی، تعیین کننده است زیرا بیشتر کشورهای در حال توسعه، صنعتی شدن را به عنوان راه دستیابی به توسعه برگزیده‌اند. این وضع به دلیل اجرای راهبرد جایگزینی واردات در بسیاری از کشورهای

خارجی را علت اصلی موفقیت این کشورها دانسته‌اند. در میان این چهار کشور، سنگاپور بیش از دیگران بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأکید کرده است. یک سوم تمامی شرکتهای موجود در سنگاپور، بطور دربست یا عمدت به خارجیان تعلق دارد. بر عکس، کره جنوبی بیشتر پذیرای دیگر اشکال سرمایه خارجی از جمله کمک و وام خارجی و عقد ترتیبات پیمانکاری با بیگانگان بوده است. تایوان و هنگ کنگ در میانه این طیف جای دارند. اماً باید خاطر نشان ساخت که این کشورها نوعی رویکرد «سرمایه‌داری دستوری» (command capitalism) دریش گرفته‌اند و بخت یارشان بوده که دسترسی نامحدودی به بازارهای غرب داشته‌اند.^{۲۰}

● مبرم بودن نیاز داخلی کشورهای در حال توسعه به رشد اقتصادی. اوخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ شاهد افت سطح فعالیت اقتصادی در بیشتر کشورهای در حال توسعه بود. بسیاری از کشورها در آفریقا، خاورمیانه، نیمکره غربی و اروپا شاهد رکود و در برخی سالها حتی رشد منفی سرانه تولید ناخالص داخلی خود بودند (جلول ۳). آسیا در مجموع تنها استثنای موجود بود. بطور میانگین سطح زندگی در کشورهای آفریقای زیر خط صحراء کشورهای آمریکای لاتین در طول دهه ۱۹۸۰ دچار افت مطلق شد. با توجه به وخت وضع اقتصادی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه احساس نیاز کردند که اقتصاد خود را از نو

○ به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان در بخش صنعت کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش خدمات این کشورهای بویژه در خدمات واسطه و خدمات تولید نیز پاگرفت.

جدول ۳

کشورهای در حال توسعه: سرانه تولید ناخالص داخلی حقیقی، ۱۹۷۳-۱۹۹۲

(درصد تغییر سالانه)

	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	میانگین ۱۹۷۳-۸۳	منطقه
۱/۲	-۲/۰	-۰/۷	-۱/۴	۲/۱	۲/۱	۱/۸	۱/۶	۱/۸	-۰/۳	۱/۷	همه کشورهای در حال توسعه	
۰/۳	۰/۳	-۰/۸	۰/۷	۱/۲	-۱/۸	-۱/۳	۱/۰	-۱/۸	-۳/۸	-	آفریقا	
۳/۶	۳/۴	۳/۶	۳/۴	۷/۲	۶/۳	۵/۰	۵/۲	۶/۶	۶/۱	۳/۲	آسیا	
-۳/۹	-۹/۷	۳/۳	۱/۳	۳/۷	۲/۳	۳/۰	۰/۶	۱/۷	۱/۴	۲/۸	اروپا	
۸/۴	-۵/۹	-۱/۹	۱/۹	-۳/۰	-۲/۷	-۳/۸	-۲/۱	-۳/۳	-۳/۰	۰/۵	خاورمیانه	
-۰/۲	-۰/۸	-۲/۸	۰/۶	-۱/۹	۱/۲	۱/۶	۱/۱	۱/۴	-۴/۸	۱/۶	نیمکره غربی	

منبع: گردآوری شده از IMF, World Economic Outlook (Washington, DC: IMF, May 1991 and October 1991)

در حال توسعه طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ حتی و خیم‌تر شد. همانگونه که از ضعف عملکرد این اقتصادها در اوایل دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ یعنی دوران اوچگیری قیمت‌های نفت پیداست تکیه این کشورها به نفت وارداتی هم چشمگیر است. تقاضا برای نهاده‌های وارداتی تولید سبب ایجاد تقاضای هنگفت ارزی می‌شود که سه راه اصلی برآورده ساختن آن، درآمدهای صادراتی، استقراض خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

درآمدهای صادراتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه طی دهه ۱۹۸۰ به دلیل نامساعد بودن شرایط عرضه و تقاضا و ضعیت خوبی نداشت.^{۲۲} این کشورها قادر به رقابت در بازارهای بین‌المللی نبودند و در مواردی هم که مزیت نسبی داشتند دستشان از بازارهای کشورهای صنعتی کوتاه بود. استقراض خارجی نیز از لحاظ تعهدات و غیرقابل پیش‌بینی بودن انعطاف‌ناپذیر بود و بسیاری از کشورهای در حال توسعه به آن دسترسی نداشتند. نامطلوب بودن وضعیت درآمدهای صادراتی واستقراض خارجی این ضرورت را پیش آورده است که در ترکیب جریان سرمایه‌های خصوصی به کشورهای در حال توسعه تغییر عمده‌ای به سمت استفاده هر چه بیشتر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد شود. امروزه بسیاری از رهبران جهان سوم هنگام روپوشدن با اقتصادهایی که دچار مشکلات حادی هستند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را درمان همه دردها می‌دانند^{۲۳} و برای دریافت آن بطور مشخص به کشورهای توسعه‌یافته رو می‌آورند. آنان امیدوارند که جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به رشد و شکوفایی بینجامد.

● **جهانی شدن تولید و خدمات.** جهانی شدن (globalization) تولید از دیگر عوامل اصلی مؤثر در پایداری جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی است. از اوخر دهه ۱۹۷۰ بسیاری از صنایع کشورهای توسعه‌یافته غرب یویزه صنایع تولیدی آرام آرام شاهد افت نرخ‌های سودآوری بودند. این افت نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، از جمله رکود بهره‌وری، بهم خوردن توافق کارگران و سرمایه‌داران، و تشید در رقابت میان

سرمایه‌داران در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی بود. بسیاری از شرکتها ناگزیر شدند با تغییر محل به مکان‌هایی که هزینه‌های تولید در آنها پایین تر بود یادسترسی بهتری به بازارهای بالقوه داشتند فرایند تولید خود را عقلایی سازند.^{۲۴} وانگهی، توسعه فناوریهای نوین ارتباطی و حمل و نقل امکان گسترش جغرافیایی تولید را فراهم ساخت. بدین ترتیب، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به صورت میزان شعب فرعی شرکتها چندمیلتی و شرکتها کوچک و متوسط کشورهای توسعه‌یافته در آمدند. این فرایند جهانی شدن تولید، نخست در صنایع تولیدی کاربر رخ داد. در دهه ۱۹۸۰ در نتیجه نوآوریهای تکنولوژیک کشورهای توسعه‌یافته، این فعالیتهای تولیدی سرمایه برتر شدند. در همین حال، برخی صنایع متکی به فناوری پیشرفته هم جهانی شدند.

با جهانی شدن تولید، خدمات و فعالیتهای تجاری هم بین‌المللی شد.^{۲۵} لزوم پستیبانی از تولید شرکتها چندمیلتی از طریق ارائه خدمات بازرگانی، طراحی، بازاریابی، حمل و نقل، ارتباطات، بانکداری، و بیمه سبب شد تا بیگانگان در بخش خدمات کشورهای در حال توسعه دست به سرمایه‌گذاری زنند. در واقع، تا اوایل دهه ۱۹۷۰ جهانی شدن خدمات عقب‌تر از جهانی شدن تولید بود ولی در دو دهه پس از آن بسرعت گسترش یافت. با این حال خطاست اگر نتیجه گیری کنیم که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش خدمات جای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع را گرفته است، البته سهم نوع اول از سرمایه‌گذاریها با شتاب چشمگیری در حال رشد بوده است. منطقی‌تر آن است که بگوییم به دنبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش صنعت سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در بخش خدمات روانه کشورهای در حال توسعه شده است. بیشتر این سرمایه‌گذاریهای خدماتی در خدمات واسطه و خدمات تولید صورت می‌گیرد و از لحاظ دریافت کنندگان خدمات تفاوتی با کشورهای صنعتی ندارد. بارشد سریع اقتصاد و افزایش قدرت خرید مشتریان در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای نوصنعتی، فعالیتهای خدمات رسانی به مشتریان نیز آرام آرام در

این کشورها پا گرفته است.

● دگرگونی محیط بین‌المللی. مشکل مازاد، یا کمبودپول در نظام بانکی بین‌المللی، کشورهای در حال توسعه را به کاستن از میزان وام‌های دریافتی از منابع خصوصی واداشته است. در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بیشتر وام‌های خصوصی اعطای شده به کشورهای در حال توسعه از محل دلارهای نفتی کشورهای عضو اوپک که از مجرای بازارهای اروپایی دوباره به جریان می‌افتد پرداخت می‌شد. در پی اوجگیری قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳-۷۴ نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار آمریکا از این طریق دوباره به جریان انداخته شد.^{۲۶} این سرمایه امکان آن را فراهم آورد تا کشورهای در حال توسعه برای تأمین نیازهای فزاینده خود به سرمایه و پرداخت هزینه‌های سرسام آور نفت منابع هنگفتی از بانکهای خصوصی کشورهای توسعه یافته وام بگیرند. اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، برخی رویدادها سبب کاهش حجم اعتباراتی شده که از طریق بازارهای اروپایی در دسترس کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. این رویدادها شامل اینهاست: (۱) افزایش چشمگیر مخارج داخلی تمامی کشورهای عضو اوپک که سبب کاهش قابل ملاحظه مازاد حساب‌جاري آنها شده است، و (۲) افت شدید قیمت‌های نفت خام در سال ۱۹۸۶ که باز بر مازاد حساب‌جاري کشورهای عضو اوپک تأثیر نامطلوبی گذاشته است. در همین حال، تقاضای غرب برای نفت رشد سریعی نداشت و همین، بر کشورهای عضو اوپک فشار بیشتری وارد می‌ساخت. این مشکل مازاد در نظام بانکی بین‌المللی، دسترسی کشورهای در حال توسعه به اعتبارات بانکها و مؤسسات وام‌دهنده را به شدت کاهش داده است. کشورهای در حال توسعه برای بر طرف ساختن این کاستی به تحصیل سرمایه خارجی بیشتر از طریق جلب مبالغ هنگفت‌تری از سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی رو آوردند.

با حرکت جامعه بانکی بین‌المللی به سمت محدود ساختن اعتبارات اعطایی، حجم وام‌های خصوصی حتی کمتر شد و کشورهای در حال توسعه بناگزیر از نو در جستجوی سرمایه به دیگر عرصه‌هارو آوردند و سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یکی از گزینه‌های مناسب تبدیل شد.

○ با اشباع و انعطاف‌ناپذیر شدن بازارهای صادراتی کشورهای صنعتی، تعداد بیشتری از سرمایه گذاران خارجی جلب آن دسته از کشورهای در حال توسعه شدند که بازارهای داخلی بزرگی داشتند.

این وضع تیجه دسترسی بیش از حد ساده متقاضیان طی دهه‌های پیش به اعتبارات بخش بانکی کشورهای توسعه یافته است. در سالهای پلافالسله پس از جنگ جهانی دوم، بانکهای تجاری خصوصی به دلیل درسهایی که طی دو جنگ جهانی در زمانه نکول برخی از وام‌گیرندگان از بازپرداخت وام‌های خود گرفته بودند از درگیر ساختن خود در کشورهای در حال توسعه پرهیز داشتند. امناظام مالی بین‌المللی در طول سه دهه پس از جنگ، نیرومندو پایدار بود. دولتهای کشورهای صنعتی هم با پشتیبانی از این نظام و تضمین آن در موقع بحرانی اطمینان بیشتری به وجود آوردند. وانگهی، در آن زمان در بازار بانکهای تجاری تعداد وام‌گیرندگان پُر جاذبه چندان نبود، زیرا بسیاری از مشتریان با دور زدن بانکها، از طریق صدور اوراق قرضه شخصی در صدد جلب سرمایه برمی‌آمدند. همه این عوامل به افزایش شدید وام‌های خصوصی اعطایی به کشورهای در حال توسعه در اواخر دهه ۱۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ کمک کرد. اوجگیری بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳-۷۴ و در پی آن انباسته شدن حجم هنگفت سرمایه‌های مازاد اوپک که از طریق بازارهای اروپایی قابل دسترسی بود به بانکهای تجاری رونق بیشتری بخشدید. ویژگی اساسی بازارهای بالندۀ اروپایی فقدان نسبی مقررات در آنها بود.^{۲۷} در بسیاری از کشورهای توسعه یافته دولت با ملزم کردن بانکهای تجاری به ذخیره نگه داشتن در صد معینی از همه سپرده‌های خود، هم برای پرداخت وام حد و مرزی مشخص می‌سازد و هم مانع از آن می‌شود که نظام بانکی دچار وضعی گردد که نتواند پاسخگوی تقاضای سپرده گذاران باشد. اما در بازارهای اروپایی عملانشانی از چنین مقرراتی نبود. رقابت میان بانکهای تجاری خصوصی آنها را به اعطای وام‌های هر چه مخاطره‌آمیزتر کشاندو این درحالی بود که این بانکها نسبت هر چه کمتری از سپرده‌های خود را به عنوان ذخیره نگه می‌داشتند. این مسئله به افزایش بی‌ثبتاتی و شکنندگی نظام بانکی بین‌المللی منجر شد که بنویه خود بانکهای تجاری را در صدور وام‌های بلندمدت با دشواری رو برو ساخت. وقتی کشورهای صنعتی غرب از اوایل دهه ۱۹۸۰

آرام آرام گرفتار رکود اقتصادی شدند این مشکل شدت بیشتری یافت.

افزون بر اینها، برخی رویدادهای سیاسی که بتازگی در جهان رخ داده است می‌تواند بر جریان آینده سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به‌سوی کشورهای در حال توسعه تأثیر گذارد. «انقلاب» گورباچف در اروپای شرقی و شوروی سابق اندک‌اندک تنش میان شرق و غرب را زمینه برداشت و به جای آن «نظم نوین جهانی» را نشاند که در چارچوب آن شمال (بویژه ایالات متحده) به عنوان بازیگر برتر در عرصه سیاست جهان سربر آورده است. در همین حال، جنگ خلیج فارس بر هراس کشورهای در حال توسعه از بابت مداخله احتمالی شمال افزوده است. هرگونه اقدام خصم‌مانه قابل تصور بر ضد جهان توسعه یافته می‌تواند به فاجعه‌ای برای کشور در حال توسعه اقدام کننده مبدل شود. در تیجه، شرکتهای کشورهای توسعه یافته امروزه احساس می‌کنند که دولت متبوع‌شان حمایت بیشتری از آنها به عمل می‌آورد. در این شرایط ممکن است کشورهای در حال توسعه ناگزیر از آن باشند که با متحد شدن با جهان توسعه یافته، مخاطرات احتمالی را به حداقل برسانند. یکی از راههای دستیابی به این هدف، جلب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی است و به همین دلیل این‌گونه سرمایه‌گذاریها به صورت یکی از ابزارهای سیاست خارجی در آمده است. اما هنوز روش نیست که سیاست بین‌الملل نو تاچه حد بر جریان آینده سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به‌سوی کشورهای در حال توسعه تأثیر خواهد گذاشت.

علل بنیادی توزیع جغرافیایی فابرا بو

سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی

توزیع ناموزون جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در میان کشورهای در حال توسعه تیجه عوامل درهم بافتۀ بسیاری است. هرگونه تبیین تک‌علتی مانند انگشت گذاشتن بر حجم بازار داخلی یا وجود نیروی کار ارزان کاربرد بسیار محدودی دارد. به گمان‌ما، برای تبیین این توزیع جغرافیایی سه دسته از علل حائز اهمیت است:

سرشست متحول عرضه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی، گوناگونی شرایط اقتصادی، و گوناگونی محیط‌های سرمایه‌گذاری.

● سرشست متحول عرضه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی. در سراسر دهه ۱۹۸۰ کشورهای توسعه یافته پیوسته منبع اصلی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در جهان در حال توسعه بودند؛ البته سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی خود کشورهای در حال توسعه نیز هر روز اهمیت بیشتری پیدامی کند. از این‌رو، دگرگونی‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته تأثیر بزرگی بر این‌گونه جریانها دارد. یکی از این دگرگونی‌های بزرگ، نوآوریهای تکنولوژیک بوده است. بسیاری از این نوآوریها مانند استفاده از رباتها و هوش مصنوعی، نوآوریهای کاراندوزی هستند. از این گذشته، آنها ساختار نظام تولید و الگوهای یافتن منابع کالاها و نیروی کار را دگرگون می‌سازند، چرا که سبب کاهش هزینه‌های تولید بویژه هزینه‌های کار می‌گردند.^{۲۸} این نوآوریهای تکنولوژیک پیامدهای متعددی دارد. نخست، آنها از جذابیت کشورهای دارای نیروی کار ارزان به عنوان مکان‌های سرمایه‌گذاری می‌کاهمند. این بدان معنی نیست که صنایع تولیدی کاربردیگر برای کاهش هزینه‌های خود به کشورهای در حال توسعه انتقال نخواهند یافت اماً فعالیت‌های صنعتی مبتنی بر فناوریهای پیشرفته به صورت مؤلفه‌های هرچه با اهمیت‌تر سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی کشورهای توسعه یافته در می‌آید. دوم، کشورهای بهره‌مند از نیروی کار ماهر، خدمات پشتیبانی، و زیرساخت‌های در چشم سرمایه‌گذاران خارجی برخاسته از کشورهای پیشرفته‌صنعتی جذابیت بیشتری پیدامی کنند. کشورهای نو صنعتی شامل هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی، و تایوان از جمله این رقبای نیرومندند. آنها از نخستین دوره فعالیتهای کاربرد به تولید صنعتی مبتنی بر فناوریهای پیشرفته جهش کرده‌اند. به همین دلیل، با وجود افت اقتصادی کلی در جهان، در دهه ۱۹۸۰ آنها همچنان حجم چشمگیری از سرمایه‌گذاریهای مستقیم کشورهای توسعه یافته در خارج را دریافت کردند. از دیگر سو، کشورهای نو صنعتی آرام آرام صنایع کاربر را به دیگر کشورهای در حال

کشورهای بهره‌مند از نیروی کار ماهر، خدمات پشتیبانی، وزیر ساخت‌ها در چشم سرمایه‌گذاران خارجی برخاسته از کشورهای پیشرفته‌صنعتی جذابیت بیشتری دارند.

سرمایه‌گذاری‌ها را جلب کردند. دیگر کشورهای در حال توسعه اقبال نسبتاً ناچیزی برای دریافت این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها داشتند. احیای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش استخراج صنعت نفت باز دیگر کشورهایی را که دارای منابع طبیعی فراوان هستند برای سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی جذاب ساخته است. اندونزی، مصر، نیجریه، عربستان و جمهوریهای سوریه سابق نمونه‌هایی از این کشورها هستند.

جريان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان در کشورهای در حال توسعه به کشور مبدأ سرمایه‌گذاران نیز بستگی دارد. از دیرباز ایالات متحده بزرگترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکای لاتین یا نیمکرهٔ غربی بوده است. اما از سال ۱۹۸۰ به بعد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور بشدت افت پیدا کرده است به نحوی که دیگر این کشور مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی جهان نیست. در واقع، ایالات متحده به یکی از بزرگترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی - عمدهاً متعلق به ژاپن - مبدل شده و در نتیجه «کسر بودجهٔ دور قمی» از یک اعتبار دهندهٔ خالص، به یک وام‌گیرندهٔ خالص تغییر موقعیت داده است. امروزه ایالات متحده مبالغه‌چشمگیری وام و سرمایه را جلب می‌کند که در غیر این صورت می‌توانست برای سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌های جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه به کار رود. زوال برتری ایالات متحده مسلمان چشم‌انداز دریافت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را برای کشورهای آمریکای لاتین تیره و تار ساخته است. از سوی دیگر، ژاپن منبع اصلی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در آسیا بوده است. در دهه ۱۹۸۰ با تقویت ارزش‌ین و نیاز ژاپن به حفظ رقابت‌پذیری خود در زمینهٔ هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم این کشور در خارج رشد پیدا کرد و ژاپن به بزرگترین منبع واحد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان مبدل شد. گرچه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی ژاپن در سراسر جهان توزیع شده است ولی آسیا به دلیل نزدیکی جغرافیایی و قرابت تاریخی، کانون اصلی این سرمایه‌گذاریها بوده است. برای نمونه، این

توسعه‌ای منتقل می‌سازند که سطح توسعهٔ فناوری آنها پایین تر و نیروی کارشان ارزان است.^{۲۹}

این دگرگونی توزیع سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در میان بخش‌های مختلف اقتصادی، برخی از کشورهای در حال توسعه را جذب تراز دیگران ساخته است. نخستین دورهٔ پس از جنگ جهانی دوم، شاهد روانه شدن جریان‌های بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بخش استخراج کشورهای در حال توسعه بود. صنایع تولیدی بویژه صنایع کاربر بتدریج در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به جهان در حال توسعه منتقل شد. در دهه ۱۹۸۰ نقش خدمات بسرعت بالا گرفت و بخش استخراج نیز بویژه در صنعت نفت تا حدودی پویاتر شد. این در حالی بود که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش تولید صنعتی در صنایع مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته تمرکز یافته بود. یک دهه پیشتر، خدمات تهاخود یک چهارم کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در جهان را به خود اختصاص می‌داد. امروزه این سهم نزدیک به ۵۰ درصد است و سالانه ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش خدمات صورت می‌گیرد.^{۳۰} در دهه ۱۹۸۰ ژاپن و آلمان بزرگترین منابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش خدمات بودند. در فاصله سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵ سهم بخش خدمات از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی آلمان و ژاپن در کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۱۵ و ۷ درصد افزایش یافت.^{۳۱} این رشد بخش خدمات عمده‌تر خدمات تولیدی صورت گرفته و نتیجهٔ رشد پیچیدگی فناوری تولیدات و سهم فزایندهٔ نهاده‌های خدماتی در کالاهای تهایی بوده است. این خدمات تولیدی که از طراحی و بازاریابی تا خدمات بانکی و بیمه را در بر می‌گیرد غالباً نو، دارای سرشت پیشرفته تکنولوژیک و کاملاً سرمایه‌برند. این خدمات مانند فعالیتهای تولیدی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته، به تیروی کار بسیار آموزش دیده و صنایع وزیرساخت‌های پشتیبان نیاز دارد. گرچه جامعهٔ اروپا بزرگترین دریافت کنندهٔ سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در بخش خدمات بود ولی گروهی از کشورهای در حال توسعه مانند کشورهای تو صنعتی هم که از شرایط مطلوبی برخوردار بودند در دهه ۱۹۸۰ حجم بزرگی از این‌گونه

○ منابع طبیعی سرشار
اندونزی بویژه منابع نفت
خام آن و حجم بزرگ بازار
داخلیش این کشور را قادر
ساخته است تا به رغم
برقراری رژیم محدودیت
نسبی سرمایه‌گذاری
خارجی در آن سرزمین،
جریان پایداری از
سرمایه‌گذاری‌های مستقیم
خارجی را جلب کند.

○ احیای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش استخراج صنعت نفت باز دیگر کشورهایی را که دارای ذخایر فراوانی از این منبع طبیعی هستند برای سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی جذاب ساخته است.

کارآمدترین اقتصادهای جهان بودند. همین واقعیت به ما کمک می‌کند تا بهمیم چرا برزیل همچنان برای سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی جذابیت دارد. با اشباع و انعطاف ناپذیر شدن بازارهای صادراتی کشورهای صنعتی، تعداد بیشتری از سرمایه‌گذاران خارجی جلب آن دسته از کشورهای در حال توسعه شدند که بازارهای داخلی بزرگی داشتند. این دسته هم شامل کشورهایی می‌شد که جمعیت ابوبهی داشتند (مانند چین، مکزیک، برزیل و اندونزی) و هم کشورهایی را در بر می‌گرفت که قدرت خرید مصرف کنندگان آنها در نتیجه بالا بودن سطح سرانه تولید ناخالص داخلی کشور بالا بود (مانند کشورهای نوصنعتی). نمونه اندونزی توجه بیشتری را می‌طلبد. منابع طبیعی سرشار این کشور بویژه منابع نفت خام آن و حجم بزرگ بازار داخلیش این کشور را قادر ساخته است تا به رغم برقراری رژیم محدودیت نسبی سرمایه‌گذاری خارجی در آن، جریان پایداری از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی را جلب کند. از سوی دیگر، هند با وجود بازار بزرگی که داشت عمده‌تاً به دلیل بی ثباتی سیاسی و کنترل شدید سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی توانست توفیقی در این زمینه به دست آورد. می‌توان نتیجه گرفت که عامل بازار به تنها یک تأثیر محدودی در جلب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی دارد.

دیگر عامل مهم مؤثر بر ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به بسیاری از کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای واقع در نیمکرهٔ غربی، بحران بدھی‌ها بوده است. تکیه شدید به استقراض خارجی در دهه ۱۹۷۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه را زیربار کمرشکن بدھی‌ها قرار داد. استمهال بی دربی، تعدد بدھی‌های معوق، و افزایش شمار وام‌های بازپرداخت نشده نیز نمایانگر ناتوانی بسیاری از کشورهای در حال توسعه از بازپرداخت اصل و فرع بدھی‌ها یشان بود.^{۳۶} عمده‌ترین کشورهای بدھکار از آمریکای لاتین، آفریقا و برخی کشورهای آسیایی بودند. بطور کلی، آسیا در مجموع به دلیل پایین بودن نسبت بدھی‌ها یش به صادرات و نیز نسبت بدھی‌ها یش به تولید ناخالص داخلیش از این نظر هم یک استثناء بود (جدول ۴). نیمکرهٔ غربی یا

کشور بزرگترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای سنگاپور، کرهٔ جنوبی، تایوان و اندونزی است. سربر آوردن کشورهای نوصنعتی به عنوان کشورهای صادر کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز به تقویت جریان اینگونه سرمایه‌گذاریها در آسیا کمک کرده است. با توسعه یافتن کشورهای نوصنعتی و صعود آنها از منحنی فرآگیری فناوری، این کشورها شروع به صدور صنایع کاربر به کشورهای در حال توسعه پیرامون خود که در سطح پایین تری از توسعه قرار دارند می‌کنند. هنگ کنگ منبع اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای چین است و کرهٔ جنوبی بزرگترین سرمایه‌گذار در مالزی است.^{۳۳}

● گوناگونی شرایط اقتصادی. شرایط اقتصادی کشور میزبان از مهم‌ترین عناصر مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی است.^{۳۴} نرخ رشد اقتصادی و حجم اقتصاد از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی مؤثر ترین عوامل در این زمینه‌اند. عدم رشد اقتصادی و گاه حتی رشد منفی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دهه ۱۹۸۰ رامی توان تا حدود زیادی علت پایین بودن سطح سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی که طی همین دهه در این کشورها صورت گرفته است دانست. آسیا با رشد پایدار تولید ناخالص داخلیش یک استثنای بود. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در این قاره در فاصله سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ برابر ۷ درصد بود که می‌توان آن را با رقم میانگین جهانی ۲/۹ درصد و میانگین همه کشورهای در حال توسعه برابر ۳/۲ درصد مقایسه کرد.^{۳۵} چین، هنگ کنگ، کرهٔ جنوبی، سنگاپور، تایوان، اندونزی، مالزی و تایلند اقتصادهایی بودند که سریعترین رشد را در آسیا داشتند.^{۳۶} این کشورها دقیقاً همان هشت کشور یا قلمروهایی هستند که در دهه ۱۹۸۰ بیش از ۹۰ درصد جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی روانه شده به سوی آسیا دریافت کردند. همبستگی میان رشد اقتصادی و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اینجا بسیار نیرومند است. همین وضع در آمریکای لاتین هم وجود داشت. گرچه کل این منطقه در دهه ۱۹۸۰ ۱۴۰ عقب ماندگی شد ولی تعدادی از کشورهای مانند برزیل از جمله

۱۹۸۰ میزان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در ۱۵ کشوری که شدیداً زیربار بدهی‌ها بودند به کمتر از ۵ میلیارد دلار در سال می‌رسید در حالی که رقم بازپرداخت سالانه اصل و فرع بدهی‌ها بیش از ۵۰ میلیارد دلار بود.^{۳۰} از این رو بحران بدهی‌ها برای این کشورها کمایش به یک دور باطل تبدیل شده است.

توانایی‌های صنعتی هر کشور در حال توسعه میزبان نیز در زمانی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو بخش تولید و خدمات در فعالیت‌های مبتنی بر فناوریهای هزرجه پیشرفت‌تر تمرکز می‌یابد به عامل هرجه مهم‌تری برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی مبدل می‌شود. مناسب‌ترین توانایی‌های صنعتی برای جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همان توانایی‌های تعیین‌کننده مهارت‌ها و بهره‌وری نیروی کار موجود در دسترس سرمایه‌گذاران خارجی، و نیز توانایی‌هایی است که بر کارایی عرضه‌کنندگان محلی و خدمات بومی تأثیر دارد. از این جهت، زیرساخت‌های تکنولوژیک مؤلفه‌ای اصلی است که خود شامل سیستم‌های پشتیبانی، تسهیلات

آمریکای لاتین، و آفریقا بدترین کارنامه را داشتند. با توجه به بحران بدهی‌ها، دولتهای این کشورها در جلب اعتبارات کوتاه و بلندمدت و نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان با دشواری بسیاری روبرو بوده‌اند. یکی از محدودیت‌های اصلی کشورهای بدهکار در جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این است که سرمایه‌گذاران خارجی قربانیان بالقوه مشکلات مالی این کشورها هستند.^{۳۱} نامطلوب بودن وضع تراز پرداخت‌ها در نتیجه بحران بدهی‌ها سبب کاهش نرخ سودآوری سرمایه‌گذاری در این کشورها می‌شود. پایین بودن نرخ سودآوری نیز بنویه خودهم از انگیزه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بعدی خارجیان می‌کاهد و هم از حجم سرمایه‌هایی که از طریق سرمایه‌گذاری دوباره سودها در دسترس می‌باشد. وانگهی، وضع تراز پرداخت‌ها موجب کاهش ارزش پول ملی کشور میزبان در برابر پولهای خارجی می‌شود و ابهاماتی هم که در نتیجه پدیده می‌آید از جذابیت کشور در چشم سرمایه‌گذاران می‌کاهد. اماً ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در بهبود تراز پرداخت‌ها نقش نسبتاً محدودی دارد.^{۳۲} در دهه

برخی از مشوّق‌های مالی اعطاشده به سرمایه‌گذاران خارجی همچون معافیت‌های مالیاتی و پایین آوردن هزینه استفاده از خدمات شهری نقشی اساسی در جلب این سرمایه‌گذاران ندارد و در واقع می‌تواند سبب کاهش سود مالی کشور میزبان از محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان شود.

جدول ۴

کشورهای در حال توسعه: نسبت کل بدهی‌های خارجی به صادرات و تولید ناخالص داخلی، ۱۹۸۳-۱۹۹۲
(به درصد)

منطقه	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳
نسبت بدهی‌های خارجی به صادرات										
همه کشورهای در حال توسعه	۱۲۱/۴	۱۲۷/۴	۱۲۱/۳	۱۲۳/۱	۱۳۰/۷	۱۴۴/۱	۱۵۱/۹	۱۳۴/۹	۱۱۸/۶	۱۱۸/۴
آفریقا	۲۲۵/۵	۲۲۴/۱	۲۴۰/۶	۲۵۰/۹	۲۶۲/۳	۲۶۵/۰	۲۶۰/۳	۱۹۰/۳	۱۷۰/۵	۱۶۸/۷
آسیا	۶۲/۵	۶۶/۳	۶۸/۶	۷۰/۷	۷۷/۸	۹۰/۹	۱۰۶/۰	۱۰۴/۲	۹۰/۵	۹۵/۷
اروپا	۱۲۴/۵	۱۲۲/۷	۹۹/۸	۸۵/۸	۷۹/۴	۸۲/۷	۷۷/۵	۷۶/۳	۶۳/۶	۶۴/۸
خاورمیانه	۱۳۷/۵	۱۲۲/۲	۱۱۱/۰	۱۲۴/۲	۱۳۵/۷	۱۳۰/۷	۱۲۷/۸	۹۶/۹	۷۸/۰	۶۷/۷
نیمکره غربی	۲۳۰/۱	۲۵۷/۸	۲۵۷/۱	۲۶۹/۳	۲۹۷/۷	۳۴۰/۷	۳۴۹/۰	۲۹۳/۷	۲۷۴/۲	۲۹۰/۷
نسبت بدهی‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی										
همه کشورهای در حال توسعه	۲۵/۶	۲۶/۸	۲۶/۶	۲۵/۴	۲۶/۵	۲۸/۵	۲۸/۶	۲۸/۰	۲۶/۲	۲۵/۲
آفریقا	۴۷/۶	۵۰/۴	۵۶/۸	۵۵/۶	۵۱/۶	۵۲/۷	۵۲/۲	۴۶/۱	۴۱/۴	۳۷/۱
آسیا	۱۹/۰	۲۰/۰	۲۱/۸	۲۲/۵	۲۶/۱	۲۸/۲	۲۹/۷	۲۶/۷	۲۴/۰	۲۳/۱
اروپا	۱۷/۱	۱۶/۵	۱۳/۶	۱۰/۶	۱۰/۲	۱۱/۰	۱۰/۷	۱۱/۴	۹/۹	۹/۷
خاورمیانه	۳۶/۸	۳۶/۶	۳۴/۷	۳۷/۴	۳۸/۳	۳۷/۷	۳۷/۴	۳۱/۴	۲۸/۷	۲۶/۶
نیمکره غربی	۳۰/۲	۳۴/۴	۳۷/۱	۳۷/۹	۳۹/۶	۴۴/۳	۴۳/۹	۴۵/۲	۴۶/۴	۴۶/۸

منبع: گردآوری شده‌از (1991, October, Washington, DC: IMF, World Economic Outlook).

○ علل اصلی نابرابر بودن توزیع جغرافیایی جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را باید در سروش متحول منابع عرضه کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، گوناگونی شرایط اقتصادی، و متفاوت بودن محیط‌های سرمایه‌گذاری موجود در کشورهای در حال توسعه سراغ گرفت.

حمایتی برقرار ساخته‌اند. از این گذشته، هند همچنان برای تشکیل شرکتهای سهامی خاص این شرط را لازم می‌داند که اکثریت سهام در دست اشخاص محلی باشد. این رژیم محدود کننده سرمایه‌گذاری‌های خارجی همراه با بی‌ثباتی سیاسی مانع از آن شده است که هند با وجود بازار داخلی بزرگی که دارد موفق به جلب مبالغ هنگفتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. در برزیل برای سرمایه‌گذاری خارجیان در بخش‌هایی که از فناوری پیشرفت‌هه استفاده می‌کنند محدودیت‌هایی وجود دارد. در مکزیک شرط اجباری استفاده از نهاده‌های محلی در تولید همچنان برقرار است. اما ظاهراً میان شرایط اقتصادی و وجود مقررات محدود کننده سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی نوعی توازن دوکفه‌ای وجود دارد. کشورهایی چون برزیل، اندونزی، و مکزیک به رغم وجود رژیم‌های نسبتاً دست و پاگیر برای سرمایه‌گذاری خارجی توانسته‌اند در نتیجه وجود بازارهای داخلی بزرگ، منابع سرشار طبیعی و اقتصادهای نسبتاً رشدیابنده همچنان سطح چشمگیری از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را جلب کنند. مکزیک بتازگی تغییرات عمدہ‌ای در سیاستهای سرمایه‌گذاری خارجی خود ایجاد کرده و به‌سمت رژیم آزادانه‌تری حکومت کرده است و چه بسا همین، چشم‌انداز جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را در آینده برای آن کشور روشن‌تر سازد. اما دیگر کشورها از جمله پاکستان، سریلانکا، و بسیاری از کشورهای مرکز و شرق اروپا که فاقد اینگونه جاذبه‌های چشمگیر اقتصادی یا اسیر رژیم‌های حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی هستند به اندازه آنها خوش اقبال نخواهند بود. با وجود این، کلمبیا، آرژانتین و تایلند سه نمونه از کشورهایی هستند که به رغم اندک بودن جاذبه‌های اقتصادی‌شان از رژیم‌های آزادانه سرمایه‌گذاری بسیار سود برده‌اند.

مشوق‌های مالی هم می‌تواند موجب درخشش ستاره بخت کشور برای جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود. کشورهای در حال توسعه از نظر میزان مشوق‌هایی که در

آموزشی، و ظرفیت تحقیق و توسعه می‌باشد. دلیل اصلی موفقیت سنگاپور در جلب جریان پایدار و نیرومندی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را باید در زیرساخت تکنولوژیک بسیار جاافتاده آن و نیز در دسترس بودن نیروی کار بسیار آموزش دیده و منضبط آن کشور سراغ گرفت. کره جنوبی نیز همین وضع را دارد ولی این کشور کمتر به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان و بیشتر به دیگر اشکال سرمایه‌گذاری خارجی مانند ترتیبات پیمانکاری، کارخانه‌های کلیلا در دست (turnkey plants)، و صدور پروانه فناوری (technology licensing) متکی است. هنگ‌کنگ و تایوان نیز به اهمیت زیرساخت‌های تکنولوژیک در پایداری بلندمدت جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بی‌برده‌اند و در حال رسیدن به بقیه کشورهای نوصنعتی هستند. دیگر کشورهای در حال توسعه هنوز در سطح پایینی از توانایی صنعتی و توسعه فناوری قرار دارند. از این‌رو توانایی آنها برای جلب خدمات و فعالیتهای تولیدی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفت‌ه بسیار محدود است. کشورهایی همچون چین، مالزی، تایلند، مکزیک و کلمبیا که در دهه ۱۹۸۰ مبالغ هنگفتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دریافت کردند هنوز به وجود نیروی کار ارزان برای جلب فعالیتهای تولیدی کاربر تکیه داشتند.

● گوناگونی محیط‌های سرمایه‌گذاری. مهم‌ترین مؤلفه هر محیط سرمایه‌گذاری، چارچوب مقررات یا رژیم سرمایه‌گذاری خارجی آن است. میزان باز بودن کشورهای در حال توسعه به روی سرمایه‌گذاران خارجی متفاوت است.^{۴۱} برای نمونه، سیاستهای حاکم بر کشورهای نوصنعتی و کشورهای جنوب شرقی آسیا بطور کلی آزادمنشانه‌تر از دیگر کشورهای آسیایی است. در برخی از کشورهای در حال توسعه وجود برخی محدودیت‌های اصلی همچنان مانع جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است. برخی کشورها مانند هند و اندونزی که دارای بازار داخلی بزرگ و صنایع نویا هستند برای جلوگیری از رقابت خارجی و دلگرم ساختن این صنایع به توسعه، مکانیسم‌های

در حال توسعه بطور کلی نامطلوب باشد بعید است که انگیزه‌های ایجاد شده به وسیله این مناطق، یک شرکت چندملیتی را به تغییر راهبرد توسعه جهانی خود ترغیب کند. برای نمونه، ایران مشوّق‌های مالی جالب توجهی به سرمایه‌گذاران خارجی پیشکش نموده و مناطق ویژه‌ای نیز ایجاد کرده است ولی به دلیل نامطلوب بودن شرایط حکومتی، سرمایه‌گذاری مستقیم چندانی را از خارج جلب نکرده است.^{۴۲} البته در شرایطی که محل‌های دیگری هم برای انتخاب وجود داشته باشد کشور در حال توسعه‌ای که فاقد چنین مشوّق‌هایی است در چشم سرمایه‌گذاران خارجی جذب‌بیت کمتری خواهد داشت.

ثبات سیاسی هم دیگر مؤلفه مهم هر محیط مطلوب سرمایه‌گذاری است. پژوهشها نشان داده است که بی‌ثباتی سیاسی سبب افت چشمگیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان می‌شود.^{۴۳} مخاطراتی که بی‌ثباتی سیاسی برای سرمایه‌گذاران پیش می‌آورد شامل احتمال از دست رفتن سرمایه در نتیجه فروپاشی سیاسی، امکان ضبط دارایی‌ها توسط دولت، نامعلوم بودن نرخ بازگشت سرمایه، و گسیختگی جریان عرضه کالاهای خدمات و نیروی کار است. کشورهایی که بیش از دیگران از اینگونه بی‌ثباتی در رنجند شامل فیلیپین، هند، کره جنوبی، بیشتر کشورهای خاورمیانه، و بسیاری از کشورهای آفریقایی می‌باشند. برخی از کشورهای آمریکای لاتین مانند مکزیک، شیلی و پاناما هم تا حدودی در موقع ناآرامی سیاسی شاهد افت سطح سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان بوده‌اند. پاناما یک نمونه روشنگر است. این کشور با وجودی که به عنوان یک بهشت مالیاتی و کانون استقرار نظام‌های بانکی خارج از محدوده استقرار (offshore banking) شهرت دارد طی دهه گذشته موفق به جلب مبالغ چشمگیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشده است. منطقی است که بگوییم ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه همزمان به هر دو دسته عوامل اقتصادی و سیاسی بستگی دارد. اما همچنان که نمونه چین نشان می‌دهد ظاهراً اگر شرایط اقتصادی مهیا

اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارند با هم تفاوت دارند. چنین مشوّق‌هایی شامل تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی، برقراری نرخ‌های پایین برای استفاده از خدمات شهری، کاهش عوارض گمرکی و محدودیتهای ارزی، تخفیف کنترل بردارای‌ها، و روش‌های اداری سرراست و آسان می‌باشد. دولتهای میزبان در تلاش برای سودآورتر کردن فعالیتها و تسهیل خروج سودهای به دست آمده چنین مشوّق‌هایی را به سرمایه‌گذاران خارجی پیشکش می‌کنند. کشورهای نوصنعتی نمونه کشورهایی هستند که دولت آنها برای پایدار نگهداشتن ورود سطح بالایی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مشوّق‌های آزادمنشانه و پرجاذبه‌ای استفاده کرده‌اند. گذشته از این، بسیاری از کشورها برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و ترویج صنایع صادراتی از سیاست ایجاد مناطق ویژه مانند مناطق پردازش صادرات و مناطق ویژه اقتصادی بهره جسته‌اند. در این مناطق با سرمایه‌گذاران برخورد بهتری می‌شود که در دیگر نقاط کشور نشانی از آن نیست. محصولات تولیدشده در این مناطق نیز روانه بازارهای صادرات می‌گردد. تایوان و چین دو نمونه از کشورهایی هستند که با ایجاد اینگونه مناطق جاذبه چشمگیری برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کسب کرده‌اند. در فاصله سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۸۳ تزدیک به ۱۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی صورت گرفته در تایوان راهی سه منطقه ویژه این سرزمین شد.^{۴۴} برایه منابع سازمان ملل، تا سال ۱۹۸۹ بیش از ۲۰۰ نمونه از این مناطق در جهان در حال توسعه ایجاد شده و ۵۰ نمونه دیگر هم در دست برنامه‌ریزی بوده است.^{۴۵} حتی کشورهای مرکز و شرق اروپا هم که از نظر آزادسازی بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی عقب‌تر از دیگرانند برای گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری دست به ایجاد چنین مناطقی زده‌اند. اما کارایی ایجاد مناطق ویژه و برقراری مشوّق‌های مالی، در زمینه جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی محدود است. شرکتهای چندملیتی تنها بر پایه راهبرد جهانی خود اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. اگر جو سرمایه‌گذاری در یک کشور

برای کشورهای در حال توسعه‌ای که خواهان جلب حجم بیشتری از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی هستند تدبیر چندی چون اتخاذ نگرشی مشتبث در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان، آزادمنشانه کردن سیاست‌های اقتصادی، جلب اشکال گوناگون سرمایه‌گذاری خارجی، و توسعه سرمایه انسانی و توانایی‌های صنعتی وجود دارد.

کشورهای در حال توسعه می‌توانند با گزینش دقیق فناوریهای ملازم با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تمهید ماهرا نه مشوّق‌های مالی، به کارگیری سیاست ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در مرحله مناسبی از توسعه، و بهبود سیستم‌های پشتیبانی و انتشار برای انتقال فناوری، تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را دوچندان سازند.

خواهد بود. دولتهای عضو اتحاد شوروی سابق نیز جذابیت‌های مشابهی دارند و توانایی‌های تکنولوژیک آنها پیش‌پیش از بسیاری دیگر از کشورهای در حال توسعه برتر است. اما گذشته از پایین بودن نرخ بازگشت سرمایه در کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاری در این کشورها با مخاطرات بالقوه بسیاری همراه است. این مخاطرات شامل احتمال ملی شدن دارایی‌های خارجیان به دست دولت، از دست رفتن سرمایه در نتیجه ناارامی و فروپاشی سیاسی، دوام داشتن رژیم‌های محدودکننده سرمایه‌گذاری، و محدودیت دسترسی به بازارهای داخلی می‌باشد. با توجه به تمامی این عوامل، کشورهایی کنار گذاشته می‌شوند که دارای درآمد پایین و رشد آهسته، و فاقد منابع طبیعی مهم، بازارهای داخلی بالقوه بزرگ، نیروی کار ماهر ارزان، و رژیم سیاسی باثبات باشند. اما حتی دولتهای این کشورها هم می‌توانند امیدی به جلب مبالغ بیشتری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته باشند و این موضوعی است که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت.

پیامدها و سیاست‌گذاریها

گرچه جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در مجموع از سال ۱۹۸۲ به این سو پایدار مانده است ولی کاهش شدید استقراض از منابع خصوصی منجر به افت کلی جریان سرمایه‌های خصوصی روانه شده به‌سوی کشورهای در حال توسعه گردید. اثر توأمان این افت به همراه توزیع نابرابر جریان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و عدم تراز تجاری مزمن در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به صورت کمبود ارزی جلوه‌گر شده است. این کمبود به همراه دیگر عوامل مؤثر بنوبه خود در نتیجه وابستگی تولید داخلی به مواد خام و کالاهای واسطه و سرمایه‌ای وارداتی از جمله تجهیزات و فناوری خارجی موجب زوال اقتصاد داخلی کشورهای در حال توسعه شده است. با فشار عظیم توده‌ها و تدابیر ریاضتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نیاز مبرم داخلی این کشورها به رشد اقتصادی همچنان

باشد ایدئولوژی غیربازارنگر عامل مهمی به‌شمار نمی‌رود. با این حال وقتی غرب بر ضد کشورهایی چون کره شمالی، ویتنام و کوبا که دارای سمت‌گیری سوسیالیستی هستند مجازات‌هایی وضع می‌کند آنها شناس چندانی برای جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از دیگر کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه نخواهند داشت. گروه اخیر ممکن است از ترس رنجاندن غرب تمایلی به سرمایه‌گذاری در این کشورها نداشته باشند.

ظهور کانون‌های جدید جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بویژه در کشورهایی که جزو اردوگاه سوسیالیستی سابق به‌شمار می‌رفتند شایان توجه است. این کشورها به رغم آنکه هنوز دارای نظام‌های اقتصادی عمده‌ای برنامه‌ریزی شده و رژیم‌های محدودکننده سرمایه‌گذاری، و گرفتاری ثباتی سیاسی هستند حجم فزاینده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را جلب کرده‌اند. در دهه ۱۹۸۰ چین به تنهایی نزدیک به ۱۲ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی صورت گرفته در کشورهای در حال توسعه را دریافت داشت. این کشور به همراه سنگاپور بزرگترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بودند. طبق برآوردها در آغاز سال ۱۹۹۳ حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در ۱۴ اقتصاد مرکز و شرق اروپا بیش از ۱۱ میلیارد دلار بوده است.^{۴۷} هر چند این رقم چندان چشمگیر نیست ولی همه نشانه‌ها حکایت از آن دارد که این اقتصادها در چشم سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی هرچه جذاب‌تر خواهند شد.^{۴۸} کشورهای اردوی سوسیالیستی سابق تا حدودی نماینده آخرین عرصه رقابت جهانی برای جلب سرمایه‌گذاران هستند. بسیاری از شرکتهای چندملیتی برای تضمین سهم خود از این بازارهای جدید از سودهای کوتاه‌مدت چشم‌پوشی می‌کنند. برای نمونه، چین با جمعیت عظیم و میانگین ۹ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلیش در دهه ۱۹۸۰ (که در سال ۱۹۹۳ به نزدیک ۱۳ درصد رسید) در آینده قابل پیش‌بینی بالقوه بازار بسیار بزرگی برای محصولات مصرفی و خدمات به‌صرف کنندگان

به سادگی قادر به کسب مهارت‌های لازم برای اشتغال در صنایع جدید مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته باشد. فرایند یادگیری از طریق انجام کار، همچنان که نمونه کره جنوبی نشان می‌دهد راه دیگری برای بالا بردن سطح کیفی نیروی کار است. لازم است دولتهای کشورهای در حال توسعه از طریق اعطای کمک‌های مالی و دیگر امتیازات مشابه با مشوق‌های اعطایی به سرمایه‌گذاران خارجی، از توسعه روحیه کارآفرینی در داخل حمایت به عمل آورند. این نوع ابتکارات محلی می‌تواند در نهادهای ترویج توانایی‌های صنعتی در کشورهای در حال توسعه بینجامد.

به اعتقاد ما، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند تأثیر مثبتی بر فرایند توسعه در کشورهای در حال توسعه بهجا بگذارد. اینگونه سرمایه‌گذاریها بویژه اگر بطور جانبی به ایجاد درآمد ارزی بینجامد فرصتی در اختیار این کشورها قرار می‌دهد تا هزینه‌های مالی رشد اقتصادی خود را تأمین نمایند. همچنین ممکن است یک کشور در حال توسعه از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داشت فناوری و مدیریتی سرمایه‌گذاران خارجی هم دست یابد و از طریق انتشار آن تأثیر شگرفی بر رشد بهره‌وری بگذارد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معمولاً سرمایه‌گذاران را به اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری پای‌بند می‌سازد و تمایل آنها را به انتقال فناوری و کارآموزی تقویت خواهد کرد. وانگهی، ورود شرکتهای خارجی کارآمدی به کشور که توان رقابت در سطح بین‌المللی دارند می‌تواند با افزایش سطح رقابت‌ها، بهجا گذاشتن تأثیر نمایشی، و فراهم ساختن فرصت عقدقراردادهای فرعی موجب برانگیخته شدن روحیه کارآفرینی در داخل گردد. همچنین ممکن است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخشی از سرمایه اولیه را فراهم سازد و سودهایی به بار آورد که برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی آینده به کار آید. توسعه صنعتی حاصل از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان افزون بر درسترس قرار دادن بازارهای خارجی برای صادرات یک کشور در حال توسعه دستاوردهای

ادامه خواهد یافت. برایه پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۹۹۰، با فرض اینکه کشورهای در حال توسعه بدهکار بتدربیج از پس بازپرداخت بدهی‌های خود برآیند و از نوشایستگی دریافت اعتبارات را به دست آورند باز استقراض از منابع خصوصی بسیار کمتر از سطوح رایج در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ باقی خواهد ماند.^{۴۹} تحت این شرایط ممکن است در آینده قابل پیش‌بینی بر اهمیت نسبی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی افزوده شود.

برای کشورهای در حال توسعه‌ای که مایل به جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی باشند گزینه‌های سیاستگذاری معینی وجود دارد. مهم‌ترین گام، ایجاد نگرشی مثبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. دولتها می‌توانند با آزادمنشانه کردن سیاستهای اقتصادی ملی خود پذیرای دگرگونی به وجود آمده در مبنای اندیشه توسعه شوند. بویژه کشورهایی که بازار داخلی بالقوه بزرگی دارند به دلیل جذب بودن بازارهایشان برای شرکتهای چندملیتی، از سیاست آزادسازی سود خواهند برد. دولتها همچنین می‌توانند از میزان کنترل بر شرکتهای داخلی بکاهند و دست آنها را برای مذاکره مستقیم با سرمایه‌گذاران خارجی باز گذارند. دولتها باید پذیرای اشکال مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله تشکیل شرکتهای فرعی تحت مالکیت کامل خارجیان، مالکیت خارجیان بر اکثریت و نیز اقلیت سهام شرکتها، شرکتهای سهامی پیمانکاری، و ترتیبات بيع مقابل (buy - back) گرددند. کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای اقتصادهای راکد، بازار داخلی نسبتاً کوچک یا منابع طبیعی اندک هستند می‌توانند با آزادسازی سیاستهای کلان اقتصادی و تثبیت وضع سیاسی، محیط سرمایه‌گذاری مساعدی فراهم آورند و به جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی کمربندند. افزون براین، آنها می‌توانند با توسعه هرچه بیشتر سرمایه انسانی، زیرساختها، و توانایی‌های صنعتی خود، سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کنند. هر کشور می‌تواند با تلاش درجهت بهبود وضع آموزشی، آرام‌آرام نیروی کاری پرورش دهد که

ب) ثباتی سیاسی به دلیل احتمال از دست رفتن سرمایه در نتیجه فروپاشی سیاسی، امکان ضبط دارایی‌های اتواتر دولت، نامعلوم بودن نرخ بازگشت سرمایه، و گسیختگی جریان عرضه کالاهای خدمات و نیروی کار سبب افت چشمگیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجیان می‌شود.

پویای دیگری همچون اشتغال‌زایی، پروژه نیروی کار ورزیده‌تر، افزایش سطح درآمد ملی، نوآوریهای بیشتر، و تقویت توان رقابت کشور هم دارد. از سرمایه‌گذاری مستقیم غربیان می‌توان به عنوان نوعی ابزار سیاست خارجی برای وارد ساختن کشور میزبان به جامعه بین‌المللی و بازداشت مداخلات سیاسی خارجی احتمالی هم بهره جست.

اماً این وجوده مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را باید با توجه به جنبه‌های منفی آن مورد ملاحظه قرار داد. نخست، از آنجا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیوند چندانی با دیگر بخش‌های اقتصاد ندارد معمولاً حالتی منزوی دارد و از این رو بعيد است همان ضریب فزاینده‌ای (multiplier effect) را داشته باشد که در اقتصادهای توسعه‌یافته و خوش قواره دارد. این تأثیر منفی بهدلیل تمایل شرکتها چندملیتی به بین‌المللی کردن تولید و توزیع که با هدف کاستن از هزینه‌های معاملات صورت می‌گیرد حتی شدیدتر می‌شود. بدین ترتیب رشد در سایه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان می‌تواند به بدقوارگی بخش‌های اقتصاد در برخی کشورهای درحال توسعه بینجامد. دوم، گرچه سرمایه‌گذاران خارجی اغلب مایلند در طول دوره رشد اقتصادی کشور میزبان درآمدهای خود را از نو در همان کشور سرمایه‌گذاری کنند ولی در دوره‌های افت اقتصادی عملابر حجم سرمایه‌هایی که خارج می‌سازند افزوده می‌شود و همین سبب رکود بیشتر اقتصاد کشور میزبان می‌گردد. سوم، ممکن است برخی از کشورهای درحال توسعه در تیجه مزیت‌های بسیاری که شرکتها چندملیتی بزرگ دارند ناگزیر از رویارویی با کنترل فزاینده این شرکتها برخی از بخش‌های اقتصاد خود شوند. این مزیت‌ها شامل علامت تجاری شناخته شده، فناوریهای برتر به ثبت رسیده، مهارت‌های بازاریابی و مدیریت، کنترل بخش بزرگی از بازارهای جهان، و صرفه‌جویی‌های مقیاس می‌باشد. همچنین شرکتها چندملیتی تمایل دارند که مهارت سیاستهای اقتصادی داخلی کشور میزبان را به دست گیرند و ممکن است گهگاه اقداماتی

به عمل آورند که با منافع ملی یا استقلال آن کشور در حال توسعه تضاد داشته باشد.

کشورهای در حال توسعه برای تقویت تأثیرات مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌توانند تدبیر چندی در پیش گیرند. نخست، این کشورها می‌توانند با گزینش دقیق فناوریهای ملازم با سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی اطمینان یابند که لشکر عظیم نیروی کار نیمه ماهر و غیرماهرشان در تولید محصولات صنعتی کمال یافته و استانده جذب خواهد شد و بهنوبه خود قابلیت صدور به بازارهای جهانی را به دست خواهد آورد. کشورهای مزبور می‌توانند از این راه لشکر عظیم نیروی کار خود را به یک ثروت واقعی تبدیل کنند. حتی اگر هیچ شیوه جاافتاده‌ای برای تعیین مناسب بودن یا نبودن فناوریهای مختلف وجود نداشته باشد کشورهای درحال توسعه می‌توانند در نخستین مراحل توسعه، فناوریهای کار برتر را اختیار کنند. آها می‌توانند از راه یادگیری با انجام کار، آرام آرام مهیّای پذیرش فناوریهای پیشرفته‌تر شوند. همچنین این کشورها می‌توانند راه همکاری با شرکتها چندملیتی متعلق به دیگر کشورهای درحال توسعه را در پیش گیرند چه این شرکتها نه تنها فناوریهای مناسب‌تری را پیشنهاد می‌کنند بلکه عملیات کوچکتر و کارآمدتری را به راه می‌اندازند.

دوم، باید دولتهای میزبان برای کاهش هزینه‌های جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از مشوق‌های مالی ماهرانه مدد جویندو در مرحله مناسبی از توسعه سیاست ایجاد مناطق ویژه را در پیش گیرند. برخی مشوق‌های مالی همچون معافیتهای مالیاتی و پایین آوردن هزینه استفاده از خدمات شهری نقش اساسی در جلب سرمایه‌گذاران خارجی ندارد و در واقع می‌تواند سبب کاهش سود مالی کشور میزبان از محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجیان شود. بنابراین باید از چنین مشوق‌هایی در کمترین حد خود استفاده کرد و در برخی موارد حتی از آنها چشم پوشید. دولتهای میزبان باید برای توسعه مناطق ویژه در چارچوب یک راهبرد ملی سراسری برنامه‌ریزی کنند. از این مناطق می‌توان نخست

○ از سرمایه‌گذاری مستقیم
غربیان می‌توان به عنوان نوعی ابزار سیاست خارجی برای وارد ساختن کشور میزبان به جامعه بین‌المللی، و بازداشت مداخلات سیاسی خارجی احتمالی هم بهره جست.

چشمگیری برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه به بار آورد. اما پیش از وقوع چنین چیزی دولتها باید برنامه روشن و خوبی برای جلب سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی داشته باشند.

یادداشتها

1. منظور از جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی- جز در صورتی که خلاف آن تصریح شود- خالص جریانهای ورودی و خروجی است و نه جریان ناخالص اینگونه سرمایه‌گذاریها. دیگر مؤلفه‌های جریان سرمایه‌های خصوصی که تنها بخش کوچکی را تشکیل می‌دهند شامل سرمایه‌گذاری در اوراق بهادر و دیگر اشکال سرمایه‌گذاری خارجی مانند ترتیبات پیمانکاری، بازرگانی جبرانی، و پردازش- موتناز مخصوصات می‌باشد.

2. International Monetary Fund (IMF), Foreign Private Investment in Developing Countries, Occasional Paper no. 33 (Washington, DC: IMF, 1985); United Nations Industrial Development Organization (UNIDO), Foreign Direct Investment Flows to Developing Countries: Recent Trends, Major Determinants, and Policy Implications (Vienna: UNIDO, 1990); Paz Estrella E. Tolentino, "Overall Trends of Foreign Direct Investment", CTC Reporter 29 (Spring 1990): 28-29; United Nations Center on Transnational Corporations (UNCTC), World Investment Directory 1992: Asia and the Pacific (New York: United Nations, 1992); and Rolf Jungnickel, "Recent Trends in Foreign Direct Investment", Intereconomics 28 (May 1993): 118-25.

3. John M. Rothgeb, "The Effects of Foreign Investment on Overall and Sectoral Growth in Third World States", Journal of Peace Research 21, no. 1(1984): 5-15; Sheila Page, "Developing Country Attitudes towards Foreign Investment", in Developing with Foreign Investment, ed. Vincent Cable and Bishnodat Persaud (London: Croom Helm, 1987); Vincent Cable and Bishnodat Persaud, "New Trends and Policy Problems in Foreign Investment: The Experience of Commonwealth Developing Countries", in Developing with Foreign In-

برای جلب فعالیتهای تولیدی کاربر با هدف جذب نیروی کار مازاد کشور، آزمایش کردن یک ابزار سیاستگذاری که پیشتر مورد استفاده قرار نگرفته است، و آسانتر کردن گذار از یک اقتصاد بسته به یک اقتصاد باز بهره‌جست. اما هر چه کشور بیشتر توسعه یابد و روی منحنی یادگیری فناوری صعود کند مناطق ویژه نیز باید به سمت جلب صنایعی حرکت کنند که هرچه بیشتر به فناوری متکی هستند. بدین‌منظور باید تعریف روشنی از دخالت دولت در آموزش نیروی کار و برپا کردن زیرساختهای تکنولوژیک بهتر وجود داشته باشد. برای جلب دانشمندان، پژوهشگران و کارکنان فنی به مناطق ویژه و توسعه تسهیلات تحقیق و توسعه کشور می‌توان سیاستها و مشوق‌های شخصی تمهید کرد. این مناطق تولیدنگر را می‌توان با گذشت زمان به‌سوی دیگر صنایع نیز هدایت کرد. برای نمونه، از آنجا که در حال حاضر حجم هرچه بیشتری از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی روانه بخش خدمات می‌شود می‌توان این مناطق را به مناطق خدمات نگر تبدیل کرد. می‌توان فعالیتهایی همچون بانکداری، بیمه، پردازش اطلاعات، و بازرگانی عمده‌فروشی را در این مناطق مستقر کرد.

سرانجام، عمدت‌ترین دریافت‌کنندگان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی می‌توانند با درس گرفتن از تجربه موفق کره جنوبی و تایوان و ایجاد سیستم‌های بهتری برای پشتیبانی و انتشار فناوریهای انتقال یافته از راه اینگونه سرمایه‌گذاریها برشتاب رشد اقتصادی خود بیفزایند. بانکها، ادارات دولتی، و مؤسسات تجاری در بسیاری موارد برای یک شرکت فرعی محلی فعال در زمینه توسعه فناوری منابع مهم اعطای اعتبار، مشاوره و کمک به‌شمار می‌روند. نظام‌های انتشار (diffusion systems)، بخش‌های مختلف زیرساخت تکنولوژیک را بهم پیوند می‌دهند. ورود کارکنان ورزیده و پر تجربه فنی و مدیریتی از شعب فرعی شرکت‌های خارجی می‌تواند به پا گرفتن فعالیتهای بومی جدید یا نوسازی سازمانهای داخلی کمک کند. کل این فرایندهای انتشار فناوری، می‌تواند ثمرات بلندمدت

رشد در سایه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به بدقوارگی بخش‌های اقتصاد کشور میزبان، رکود بیشتر اقتصاد آن کشور در نتیجه خروج حجم زیادی از درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری، تسلط شرکت‌های چندملیتی بر برخی از بخش‌های اقتصاد بینجامد.

شرکت‌های

چندملیتی تنها بر پایه راهبرد جهانی خود اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. اگر جو سرمایه‌گذاری در یک کشور در حال توسعه بطور کلی نامطلوب باشد بعید است که مشوق‌های اعطایی به سرمایه‌گذاران یک شرکت چندملیتی را به تغییر راهبرد توسعه جهانی خود ترغیب کند.

- Flows to Developing Countries; and Agarwal et al., *Foreign Direct Investment in Developing Countries*.
8. John Dunning, *Studies in International Investment* (London: George Allen & Unwin, 1970).
 9. برای بحث بیشتر ر.ک. به: Dominick Salvatore, *International Economics*, 3rd ed. (New York: Macmillan, 1990).
 10. این دورقم تنها نمایانگر جریان ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه غیرنفتی است. ر.ک. به: IMF, *World Economic Outlook: Revised Projections by the Staff of the International Monetary Fund* (Washington, DC: IMF, 1984); and IMF, *Foreign Private Investment in Developing Countries*.
 11. UNCTC, *Transnational Corporations in World Development*.
 12. UNCTC, *World Investment Directory 1992*.
 13. Paul Baran, *The Political Economy of Growth* (New York: Monthly Review Press, 1957); André Gunder Frank, *Capitalism and Underdevelopment in Latin America* (New York: Monthly Review Press, 1967); Arghiri Emmanuel, *Unequal Exchange: A Study of the Imperialism of Trade* (New York: Monthly Review press, 1969); Fernando H. Cardoso, "Dependency and Development in Latin America", *New Left Review* 74 (1972): 83-95; and Immanuel Wallerstein, "Dependency in an Interdependent World: The Limited Possibilities of Transformation within the Capitalist World - Economy", *African Studies Review* 17, no. 1 (1974): 1-26.
 14. Samir Amin, *Maldevelopment: Anatomy of a Global Failure*, translated from the French by Michael Wolfer (Atlantic Highlands, NJ: Humanities Press International, 1990).
 15. Sayre Schatz, "Assertive Pragmatism and the Multinational Enterprise", in *Post-imperialism: International Capitalism and Development in the Late Twentieth Century*, ed. David G. Becker et al. (Boulder, CO: Lynne Rienner, 1987); Stuart vestment; and UNCTC, *Transnational Corporations in World Development: Trends and Prospects* (New York: United Nations, 1988).
 4. IMF, *Foreign Private Investment in Developing Countries*; Shridath S. Ramphal, "Foreword by the Commonwealth Secretary-General", in *Developing with Foreign Investment*, ed. Cable and Persaud; and Frederick Nixson, "The Less Developed Countries and the Global Economy", *Journal of Development Studies* 26 (October 1989): 144-56.
 5. UNCTC, *Transnational Corporations in World Development*; Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), *International Direct Investment and the New Economic Environment*; (Paris: OECD, 1989); UNIDO, *Foreign Direct Investment Flows to Developing Countries*; UNCTC, *World Investment Report 1991: The Triad in Foreign Direct Investment* (New York: United Nations, 1991); UNCTC, *World Investment Directory 1992*; and Jungnickel, "Recent Trends in Foreign Direct Investment".
 6. UNCTC, *Transnational Corporations in World Development*; Paul Krugman, "Private Capital Flows to Problem Debtors", in *Developing Country Debt and Economic Performance: The International Financial System*, ed. Jeffrey D. Sachs (Chicago, IL: University of Chicago Press, 1989); OECD, *International Direct Investment*; Institute of International Finance (IIF), *Fostering Foreign Direct Investment in Latin America* (Washington, DC: IIF, 1990); UNCTC, *Government Policies and Foreign Direct Investment* (New York: United Nations, 1991); Jamuna P. Agarwal et al., *Foreign Direct Investment in Developing Countries: The Case of Germany* (Tubingen: Mohr, 1991). and Andreas Savvides, "Investment Slowdown in Developing Countries during the 1980s: Debt Overhanging or Foreign Capital Flows", *Kyklos* 45, no. 3 (1992): 363-77.
 7. UNIDO, *Foreign Direct Investment*

لازم است دولتهای
کشورهای در حال توسعه از
طريق اعطای کمک‌های
مالی و دیگر امتیازات مشابه
با مشروق‌های اعطایی به
سرمایه‌گذاران خارجی، از
توسعه روحیه کارآفرینی در
داخل حمایت به عمل
آورند.

Growth and Public Policy (New York: Oxford University Press, 1993).

20. Walden Bello and Stephanie Rosenfeld, "Dragons in Distress: The Crisis of the NICs", **World Policy Journal** (Summer 1990): 431-68.

۲۱. برای بحث مبسوط‌تر، ر.ک. به: Hooshang Amirahmadi, **Revolution and Economic Transition: The Iranian Experience** (Albany: State University of New York Press, 1990).

22. Salvatore, **International Economics**.

23. Rothgeb, "Effects of Foreign Investment".

۲۴. برای بحث مبسوط‌تر ر.ک. به: Folker Fobel, Jurgen Heinrichs, and Otto Kreye, **The New International Division of Labor** (Cambridge and London: Cambridge University Press, 1980).

25. UNCTC, **Foreign Direct Investment and Transnational Corporations in Services** (New York: United Nations, 1989).

26. Stuart Corbridge, "The Third World in Global Context", in **The Geography of the Third World**, ed. Michael Pacione (London: Routledge, 1988).

27. Arthur Mac Ewan, "Imperial Decline and International Disorder: An Illustration from the Debt Crisis", in **The Imperiled Economy**, ed. Robert Cherry et al. (New York: Union for Radical political Economics, 1987).

۲۸. برای بحث مشروح‌تر درباره این نوآوری‌های تکنولوژیک، ر.ک. به: OECD, **International Direct Investment**; and UNIDO, **Foreign Direct Investment Flows to Developing Countries**.

۲۹. برای نمونه، دیگر کشورهای در حال توسعه در جنوب شرقی آسیا، جنوب آسیا و حوزه اقیانوس آرام در دهه ۱۹۸۰ حجم رو به کاهشی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی کشورهای توسعه‌یافته را دریافت داشتند. اما جز مالزی این کشورها حجم رو به رشدی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای نوصنعتی را جلب کردند.

ر.ک. به: (UNCTC, **World Investment Directory 1922**)

30. UNCTC, **World Investment Report 1991**.

Corbridge, "The Asymmetry of Interdependence: The United States and the Geopolitics of International Financial Relations", **Studies in Comparative International Development** 23 (Spring 1988): 3-29; Theodore Geiger, **The Future of the International System: The United States and the World Political Economy** (Boston, MA: Unwin Hyman, 1988); Stephen Gill and David Law, **The Global Political Economy: Perspectives, Problems, and Policies** (Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press, 1988); and Jagdish Bhagwati, "Dependence and Interdependence: Developing Countries in the World Economy", in **Political and International Economics**, Jagdish Bhagwati/ edited by Douglas A. Irwin (Cambridge: MIT Press, 1991).

16. Ramphal, "Foreword by the Commonwealth Secretary - General".

17. Richard Hemming and Ali M. Mansoor, **Privatization and Public Enterprises**, Occasional Paper no. 56 (Washington, DC: IMF, 1988); Paul Starr, "The Meaning of Privatization", **Yale Law and Policy Reviews** 6 (1988) 1101-1136; Henry Bienen and John Waterbury, "The Political Economy of Privatization in Developing Countries", **World Development** 17, no 5(1989): 617-32, and Nicolas Walle, "Privatization in Developing Countries: A Review of the Issues", **World Development** 17, no. 5 (1989): 601-15.

18. Cable and Persaud, "New Trends and Policy Problems in Foreign Investment".

۱۹. در مورد موفقیت کشورهای نوصنعتی، ر.ک. به: Walter Galenson, **Foreign Trade and Investment: Economic Development in the Newly Industrialized Asian Countries** (Madison: University of Wisconsin Press, 1985); Pang Eng Fong, "Foreign Investment and the State in Singapore", in **Developing with Foreign Investment**, ed. Cable and Persaud; Alice H. Amsden, "Third World Industrialization: 'Global Fordism' or a New Model", **New Left Review** 182 (1990): 5-31; and World Bank, **The East Asian Miracle: Economic**

○ کشورهایی از گردونه
جلب سرمایه‌گذاریهای
مستقیم خارجی کنار
گذاشته می‌شوند که دارای
درآمد پایین و رشد آهسته،
و فاقد منابع طبیعی مهم،
بازارهای داخلی بالقوه
بزرگ، نیروی کار ماهر
ارزان، و رژیم سیاسی
با ثبات باشند.

اینها هستند: آرژانتین، بولیوی، بربزیل، شیلی، کلمبیا،
ساحل عاج، اکوادور، مکزیک، مراکش، نیجریه، فیلیپین،
اروگوئه، ونزوئلا، و یوگسلاوی.

41. UNCTC, *World Investment Directory 1992*; and Agarwal et al., *Foreign Direct Investment in Developing Countries*.

42. برای این پژوهش‌های جاری نویسندهای در مورد مناطق پردازش صادرات در آسیا.

43. UNCTC, *The Challenge of Free Economic Zones in Central and Eastern Europe* (New York: United Nations, 1991).

44. Hooshang Amirahmadi, "Iranian Economic Reconstruction Plan and Prospects for Its Success", in *Reconstruction and Regional Diplomacy in the Persian Gulf*, ed. Hooshang Amirahmadi and Nader Entessar (London: Routledge, 1992).

45. برای بحث مبسوط‌تر درباره مشوق‌های مالی ر.ک. به:

IMF, *Foreign Private Investment in Developing Countries*.

46. Agarwal et al., *Foreign Direct Investment in Developing Countries*; and Schneider and Frey "Economic and Political Determinants of Foreign Direct Investment".

47. Rolf Alter and Frederic Wehrle, "Foreign Direct Investment in Central and Eastern Europe", *Intereconomics* 28 (May 1993): 126-31.

48. Tolentino, "Overall Trends of Foreign Direct Investment".

49. IMF, *World Economic Outlook: A Survey by the Staff of the International Monetary Fund* (Washington, DC: IMF, 1990).

۳۱. اطلاعات منظمی درباره جریان‌ها و حجم سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در بخش خدمات کشورهای در حال توسعه در دسترس نیست چرا که تنها محدودی از کشورهای سرمایه‌گذار چنین اطلاعاتی را ثبت می‌کنند. ر.ک. به:

UNCTC, *Transnational Corporation in World Development*.

۳۲. برای بحث مبسوط‌تر ر.ک. به:

Olivier J. Blanchard et al., *World Imbalance: WIDER World Economy Group 1989 Report* (Helsinki: World Institute for Development Economic Research, 1989).

33. UNCTC, *World Investment Directory 1992*.

34. Friedrich Schneider and Bruno S. Frey, "Economic and Political Determinants of Foreign Direct Investment", *World Development* 13, no 2 (1985): 161-75; UNCTC, *Transnational Corporations in World Development*; UNIDO, *Foreign Direct Investment Flows to Developing Countries*; and Agarwal et al., *Foreign Direct Investment in Developing Countries*.

35. UNCTC, *World Investment Directory 1992*.

۳۶. برای بحث مبسوط‌تر درباره این اقتصادهای ر.ک. به:

World Bank, *East Asian Miracle*
37. Gordon Smith and John T. Cuddington, eds., *International Debt and the Developing Countries: A World Bank Symposium* (Washington, DC: World Bank, 1985).

38. Krugman, "Private Capital Flows to Problem Debtors".

39. OECD, *International Direct Investment*.

۴۰. پائزده کشوری که شدیداً زیرباری‌دهی‌ها قرار دارند